



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Designing and validating of the school of life model for elementary schools (With a Mixed Method Approach)

Shiva Maleki¹, Adel Zahed babelan^{*2}, Ali Khaleghkhah³, Hossein Taqavi Qarabulagh⁴

¹ Ph.D in Educational Administration, Department of Educational Science, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

² Professor, Department of Educational Science, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

³ Professor, Department of Educational Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

⁴ Associate Prof, Department of Educational Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

ABSTRACT

Keywords

School of life
Problem based education
Student's voice
Mixed method
Elementary school

¹ Corresponding author
✉ zahed@uma.ac.ir

Received: 2024/06/12
Reviewed: 2024/08/16
Accepted: 2024/09/09
Published online: 2026/01/10




Background and Objectives: The aim of the research was to design and validate the school of life model for elementary school. **Methods:** This research was done in a sequential exploratory mix method. The research method was the qualitative stage of grand theory and the basis of data was written texts and in the quantitative part correlation-modeling of structural equations. The qualitative statistical population of written documents was 686, which was selected as a sample of 279 of the most relevant studies in the period of 2000-2021, and in the quantitative stage, it included 1743 male and female elementary school teachers of Ardabil, who were selected using the cluster method. Based on Cochran's formula, 350 people were selected as a sample. The research tool was a researcher-made questionnaire. To ensure the validity and reliability of the qualitative and quantitative part, modified classic Delphi methods, stability and repeatability index, face validity, construct validity, divergent validity, convergent validity, Cronbach's alpha and composite reliability indices and Dillon-Goldstein ρ were used. Data were analyzed based on Straus-Corbin's approach, confirmatory factor analysis and structural equation model. **Findings:** The results of the first stage showed that the school of life has 7 main categories and 32 components. Also, in the quantitative stage, the validation results show a good fit between the data and the model. **Conclusion:** The results of the current research and the model presented in this research can be a suitable road map in order to create a suitable platform for the effective establishment of the school of life.

<https://pma.cfu.ac.ir>

DOI: [10.48310/pma.2025.16485.4453](https://doi.org/10.48310/pma.2025.16485.4453)

Citation (APA): Maleki, S. , Zahed Babelan, A. , Khaleghkhah, A. and Taqavi Qarabulagh, H. (2025). Designing and validating a school life model for elementary schools (With a Mixed Method Approach). *Educational and Scholastic studies*, 14 (4), 1 - 28 .

 <https://doi.org/10.48310/pma.2025.16485.4453>



طراحی و اعتباریابی مدل مدرسه زندگی برای دوره ابتدایی (با رویکرد آمیخته)

مقاله پژوهشی / مروری

شیوا ملکی^۱، عادل زاهد بابلان^{۲*}، علی خالق خواه^۳، حسین تقوی^۴

- ۱ دکتری تخصصی مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
 ۲ استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
 ۳ استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
 ۴ دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

چکیده

پیشینه و اهداف: پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتباریابی مدل مدرسه زندگی برای دوره ابتدایی صورت گرفت. **روش‌ها:** این پژوهش از نظر ماهیت داده‌ها آمیخته اکتشافی متوالی است. روش پژوهش در مرحله کیفی گراندتئوری و مبنای داده‌ها اسناد و متون نوشتاری بود و در بخش کمی از همبستگی - مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شد. جامعه آماری بخش کیفی اسناد مکتوب در زمینه موضوع به تعداد ۶۸۶ منبع بود که با رویکرد هدفمند مبتنی بر ملاک مرتبط - ترین مطالعات در بازه زمانی ۲۰۲۱-۲۰۰۰ به تعداد ۲۷۹ منبع به عنوان نمونه انتخاب شد و در مرحله کمی شامل معلمان زن و مرد دوره ابتدایی شهر اردبیل به تعداد ۱۷۴۳ نفر بود که از این تعداد با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و براساس فرمول کوکران ۳۵۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود. برای اطمینان از روایی و پایایی بخش کیفی و کمی پژوهش از روش‌های دلفی کلاسیک تعدیل یافته، شاخص ثبات و تکرارپذیری، روایی صوری، روایی سازه، روایی واگرا، روایی همگرا، آلفای کرونباخ و شاخص‌های پایایی ترکیبی و پدیلون-گلدشتاین استفاده شد. داده‌ها بر اساس رویکرد استراوس کوربین، تحلیل عاملی تأییدی و مدل معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شد. **یافته‌ها:** نتایج مرحله اول نشان داد که مدرسه زندگی دارای ۷ مقوله اصلی و ۳۲ مؤلفه است. همچنین در مرحله کمی نتایج اعتباربخشی نشان دهنده برازش مطلوب و مناسب داده‌ها با مدل است. **نتیجه‌گیری:** یافته‌های این مطالعه و مدل ارائه شده در آن می‌تواند نقشه راه مناسبی جهت ایجاد زمینه مناسب برای تحقق و استقرار اثربخش مدرسه زندگی باشد.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید.

واژه‌های کلیدی

مدرسه زندگی
آموزش مسئله محور
صدای دانش آموز
روش آمیخته
دوره ابتدایی

۱. نویسنده مسئول
zahed@uma.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹

انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰

شماره صفحات: ۲۸- ۱

DOI [10.48310/pma.2025.16485.4453](https://doi.org/10.48310/pma.2025.16485.4453)

شاپا الکترونیکی: ۲۶۴۵-۸۰۹۸

COPYRIGHTS



©2026 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

مقدمه

دوره‌ی ابتدایی از نظر رشد و شکوفایی شخصیت و مهارت‌های دانش‌آموزان از مقاطع حساس آموزشی در سیستم آموزش و پرورش است (Mashayekhi, Nadi & Karimi, 2019). توجه به نیازمندی‌ها و ویژگی‌های کودکان در مقطع ابتدایی از شاخص‌های مؤثر تربیتی در امر آموزش و پرورش نوین به شمار می‌آید (Khodami, 2018). بدون تردید پایه‌ی تعلیم و تربیت نوین و یکی از اهداف خیلی مهم تعلیم و تربیت در هر کشوری مطابقت آن با زندگی و آماده کردن دانش‌آموزان برای زندگی واقعی است (Mohammadi, 2015)؛ زیرا علاوه بر آن که مدرسه مکانی برای آموزش و یادگیری است، همچنین یک مؤلفه و بخش مهمی از زندگی کودکان است و دانش‌آموزان قسمت قابل توجهی از زندگی خودشان را در مدرسه می‌گذرانند (Zahed babelan & Mohammadi, 2023). بنابراین آموزش‌های اجباری نمی‌تواند ارتباط معنی‌داری میان نیاز درونی کودک و تجربه بیرونی وی برقرار کند. هرچند این آموزش‌ها به نام تربیت و اجتماعی کردن کودک انجام می‌گیرد اما باید دید دانش‌آموز تا چه حد نسبت به آموزه‌های ارائه شده احساس تعلق و دلبستگی دارد و تا چه اندازه آموزش‌های مدرسه‌ای با خواسته‌ها، علائق و نیازهای حقیقی زندگی او همخوان است (Karimi, 2012).

در الگوی کهن رابطه با دانش‌آموزان که متأسفانه مدارس متداول به آن عادت کرده‌اند یک شکست کامل وجود دارد (Marquez Garcia, Mendez & Kirsch, 2021). شواهد بیانگر این نکته پنهان اما تأسفبار در آموزش و پرورش امروز است که آنچه اولیا و مربیان برای تربیت کودکان قصد می‌کنند با آنچه کودکان در میدان عمل و در رفتار خود آشکار می‌سازند نه تنها متفاوت بلکه در بعضی موارد متضاد است و این تفاوت و تعارض زمانی آشکارتر می‌شود که فاصله‌ی بین اهداف قصد شده و رفتارهای کسب شده با توجه به نیازهای واقعی دانش‌آموزان در زندگی مورد مقایسه قرار گیرد (Karimi, 2012). تجارب نشان داده است تصویری که بعضی از فراگیران از مدرسه در ذهن خود دارند مکانی همچون زندان است که همواره فرار از آنجا به دنیای طبیعی و واقعی در پایان روز برایشان خوشحال کننده است (Hosseini & Bararpur, 2017). به عقیده روسو عیب بزرگ مدرسه‌های ما این است که روش کارشان با قانون‌های طبیعی و جریان زندگی واقعی همخوان و هماهنگ نیست (Shoarinejad, 2015). موضوع ارتباط آموزش‌های مدرسه‌ای با جریان واقعی زندگی از بحث‌های قدیمی و چالش‌برانگیز تربیتی است. از روسو و دیوئی گرفته تا نظریه‌های جدیدتر حوزه‌های روانشناسی به این بحث پرداخته‌اند. دیوئی معتقد است که می‌توان از طریق فرصت‌ها و فعالیت‌های یادگیری بین مدرسه و زندگی ارتباط ایجاد کرد (FarahBakhsh, Sattar & Mohammadi, 2016). بنابراین لازم است مدارس به صورت نوآورانه دانش‌آموزان را برای زندگی و کار در جامعه آماده کنند ولی به نظر می‌رسد در شرایط حاضر، ساختار متمرکز سیستم آموزشی، عملکرد، شیوه‌های آموزشی و برنامه‌های مدارس پاسخگوی نیازهای حال و آینده ذی‌نفعان نظام آموزشی نخواهد بود (Heidari Fard, 2015). از این رو ایجاد مدرسه‌ای متفاوت لازم می‌نماید و به نظر می‌رسد تحول بنیادین در آموزش و پرورش با توجه به شأن و نقش مدرسه با رویکردی که در نظریه مدرسه زندگی مطرح شده بهتر می‌تواند تحقق یابد؛ مدرسه‌ای ایده‌آل و مکانی که دانش‌آموزان در آن در اثر فعالیت زندگی‌گونه، زندگی کارآمدتر، بهتر و مؤثرتر را می‌آموزند و برای زندگی آینده و تربیت آماده می‌شوند و به همه‌ی نیازها و استعدادها دانش‌آموزان در آن پاسخ داده می‌شود. نوآوری، خلاقیت و ابتکار در این مدرسه جایگاه ویژه‌ای دارد. این مدرسه، نهادی پویا است که همه عناصر انسانی آن در تعامل خلاق و فعال با یکدیگر در مسیر حیات طیبه و به سوی رشد فکری، ایمانی، علمی و اخلاقی در حرکت و مجاهدت می‌باشند و در آن نقش و اختیار قابل توجهی برای معلمان، مدیران، دانش‌آموزان و خانواده‌ها در تعیین اهداف و فعالیت‌های یاددهی-یادگیری پیش‌بینی می‌شود. یک سازمان یادگیرنده که محل رشد استعدادها و توانمندی‌های مدیر، معلمان، دانش‌آموزان و اولیای آن‌هاست. (Zuelm, 2008). لذا طرح ایجاد مدرسه زندگی گامی است در جهت کسب موفقیت‌های بیش‌تر تا فراگیران با برخورداری از دانش و مهارت‌های لازم، متکی بر آموزه‌های دینی، افرادی مؤمن، باعزت نفس، شاداب، و کارآمد بارآیند (Moradhasel, 2006). مدرسه زندگی نهاد پویا و زنده‌ای است که تحقق غایت هستی انسان را زمینه‌سازی می‌کند و بستر لازم را برای آمادگی متری در جهت دستیابی

به حیات طیبه رقم می‌زند، در این صورت عناصر مورد توجه در این مدرسه بسیار فراتر از عناصری است که برای مدارس فعلی و رایج در نظر گرفته می‌شود. در مدارس فعلی بسیاری از عناصر اصلی مدرسه زندگی مورد غفلت قرار گرفته و تنها چند عنصر از این عناصر مهم تلقی می‌گردد (Zuelm, 2008).

هرچند در سه دهه‌ی گذشته تلاش‌های فراوان و قابل تقدیری از سوی دست‌اندرکاران و مسئولان نظام آموزش و پرورش برای اصلاح و بهبود نظام آموزشی کشور به عمل آمده و نتایج مفید و مثبتی نیز داشته است؛ ولی هنوز آموزش و پرورش با چالش‌های جدی مواجه است و برون‌داد آن پاسخگوی نیازهای جامعه و تحولات محیطی نمی‌باشد (The fundamental transformation document of education, 2011) و هرچند بخشی از ایده‌های یک مدرسه خلاق و متفاوت در برخی مدارس در حال اجراست اما طبیعی است که وقتی می‌توانیم از یک مدرسه خلاق صحبت کنیم که همه اجزا هماهنگ و متناسب با آن در حرکت باشند. بنابراین با تأملی در سیستم آموزشی کشورمان، می‌توان دریافت که فاصله‌ی ما با آنچه می‌تواند به عنوان آموزش و پرورش پویا و خلاق تلقی شود، خیلی زیاد است (Hosseini & Bararpur, 2017) و یک کعبه آمال در تعریف مدرسه زندگی خلاصه شده است؛ بنابراین نمی‌توان گفت که مدرسه زندگی خیلی در دسترس است و خیلی آسان می‌توان به آن رسید. آن چیزی که انتظار می‌رود این است که پژوهش‌های کاربردی بتواند ویژگی‌ها و صفات مورد نظر مدرسه زندگی را قابل تبیین کند. پیمایش میدانی و یافته‌های قابل کاربردی پژوهشگران در حوزه آموزش و پرورش همان تحقق مدرسه زندگی است (Eslamieh, 2008) و وجود الگویی که بتواند برای تطبیق دادن شرایط موجود مدارس رایج و فعلی با زندگی حقیقی کمک کننده و در تحقق قسمتی از ایده مدرسه زندگی سهیم باشد الهام بخش خواهد بود بنابراین شناسایی ویژگی‌ها و ابعاد مدارس کارا و اثربخش همچون مدارس زندگی در راستای همراه و هماهنگ ساختن آموزش و پرورش با شرایط زندگی طبیعی و ملزومات آن ضرورت دارد و طبعاً در این خصوص لازم است مقدماتی فراهم شود که یکی از این مقدمات مطالعات کاربردی پژوهشگران می‌تواند باشد. باتوجه به موارد فوق‌الذکر از آنجایی که چهارچوب جامعی برای مدرسه زندگی وجود ندارد، لذا ارائه یک الگوی جامع بعنوان هدف پژوهش حاضر در راستای شناسایی عوامل اثرگذار در تحقق مدرسه‌ی زندگی و ویژگی‌های مورد نیاز عناصر آن بحثی مهم و کلیدی است و می‌تواند نگرشی روشن از ماهیت مدرسه مذکور به دست دهد و در کنار سایر اقدامات و مطالعات به عنوان یک راه مؤثر و کمک کننده رهنمودی باشد برای دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت در راستای آغاز اصلاحات و این که طرح یک مدرسه متفاوت و برتر به واقعیت نزدیک شود. همچنین با عنایت به این که ابعاد ارزشی که متفکران غربی برای مدارس زندگی بیان می‌کنند طبیعتاً برای هر جامعه‌ای به ویژه جوامع مذهبی قابل اجرا نخواهد بود اما اصل طرح منهای ابعاد ارزشی آن ضروری، مفید و سازنده است لذا با مدنظر دادن استانداردهای جهانی و ویژگی‌های کشور، ارائه مدل مدرسه زندگی حاصل از داده‌های موقعیتی، سازگار با جامعه محلی، بومی‌سازی و غربالگری شده با موازین اسلامی ضروری به نظر می‌رسد.

پیشینه پژوهش

تعدادی از محققان به پژوهش‌های مرتبطی در راستای مدرسه زندگی پرداخته‌اند و هر کدام از این پژوهش‌ها به طور جداگانه ابعاد، محورها و عواملی را برای استقرار مدرسه زندگی، مدارس خلاق و مدارس نوآور شناسایی کرده‌اند. حسن‌پور (Hasanpor, 2020) در پژوهشی به تأثیرگذاری فضای آموزشی در شادی و یادگیری دانش‌آموزان اشاره کرده و نشان داده‌اند که محیط آموزشی به عنوان خانه دوم دانش‌آموزان که در آن با شیوه‌های زندگی آشنا می‌شوند تأثیر مستقیم بر روحیه و زندگی آن‌ها دارد. یاسمی و همکاران (Yasemi et al., 2020) در پژوهش خود ابعاد و مؤلفه‌های مدرسه خلاق در دوره ابتدایی را در شش بعد شناسایی کردند که شامل: مدیر خلاق، معلم خلاق، دانش‌آموز خلاق، خانواده خلاق، برنامه درسی خلاق و فرهنگ خلاق می‌باشد. نتایج حاصل از پژوهش فرحبخش و همکاران (FarahBakhsh et al., 2016) که در مدارس ابتدایی خرم‌آباد با روش توصیفی-پیمایشی انجام دادند بیانگر این است

که تغییر نگاه والدین، دانش‌آموزان، معلمان و نظام آموزش و پرورش به مدرسه، نیروی انسانی مجرب و خلاق، تغییر فرآیند یاددهی و یادگیری، هماهنگ کردن با بخش‌های مختلف جامعه، تغییر ساختار آموزش و پرورش از نظام بسته به نظام باز، فضای آموزشی متناسب، تغییر در محتوای آموزشی و تخصیص بودجه مناسب، عوامل استقرار مدرسه زندگی را تبیین می‌نمایند. حیدری فرد (Heidari Fard, 2015) نیز در پژوهش خود رهبر آموزشی نوآور، فرهنگ و جوسازمانی نوآورانه، ساختار سازمانی توانمندساز و حامی نوآوری و معلم نوآور را به عنوان ابعاد مدرسه نوآور معرفی کردند. کریمی (Karimi, 2012) در پژوهشی تلاش کرده است ضمن باز تعریف رابطه میان زیستن و آموختن بر اساس آنچه در وضع موجود آموزش مدارس جاری است، موضوع «مدرسه زندگی» و «زندگی مدرسه‌ای» به چالش کشیده شود. ایشان معتقدند آنچه معمولاً در متن آموزه‌های مدرسه‌ای به فراموشی سپرده شده اصل کنشگری دانش‌آموزان است؛ در حالی که مدرسه باید نمایانگر زندگی در فعال‌ترین و خلاق‌ترین شکل آن باشد؛ همان نوع زندگی که در محیط خانه جریان دارد. از این رو توجه به نیازهای واقعی دانش‌آموزان و ارتباط آن‌ها با محتوای برنامه درسی مدارس برای برخورداری آن‌ها از زندگی خلاق و شاداب امری ضروری است. تجدید نظر در اهداف، روش‌ها و فعالیت‌های فوق برنامه‌ی دانش‌آموزان به منظور برقراری پیوند میان این فعالیت‌ها با نیازهای واقعی دانش‌آموزان در زندگی، بازنگری محتوای آموزشی و تربیتی بر اساس مراحل تحول رشد و نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی دانش‌آموزان و تبدیل زندگی مدرسه‌ای به مدرسه زندگی از طریق درگیر ساختن دانش‌آموزان با واقعیت‌های زندگی از جمله پیشنهادات این نویسندگان در راستای مدرسه زندگی می‌باشد. ماهروزاده و عباسی (Mahrozadeh & Abbasi, 2012) با هدف تبیین مبانی فلسفی مدرسه زندگی، پژوهشی را با عنوان «مدرسه زندگی، ماهیت و چگونگی تحقق آن» انجام دادند. ایشان در مقاله خود ذکر کرده‌اند که در مدرسه زندگی محیط شاد و سازنده است. روش تدریس بر فعالیت شاگرد مبتنی است. معلم، راهنما و هدایت‌کننده‌ی یادگیری و شاگرد، محور جریان تربیتی است. بر اساس یافته‌های این تحقیق می‌توان از جنبه‌های مورد تأیید مدرسه زندگی در جهت ایجاد تغییرات سودمند در نظام آموزش و پرورش بهره گرفت. مارکز گارسیا و همکاران (Marquez Garcia et al., 2021) در پژوهشی با عنوان استعاره‌های بدیع برای یک مدرسه نوین در آموزش ابتدایی اسپانیا نشان دادند که مدارس نوین و تحول آفرین یک حس عمیق اجتماعی از تدریس، یادگیری و بافت مدرسه را بیان می‌کنند که معلمان، دانش‌آموزان، اعضای خانواده و محیط اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های آن مشارکت می‌کنند و مدرسه به عنوان یک خانواده و تیم بزرگی نگریده می‌شود. همچنین نشان دادند که ایجاد روابط افقی با دانش‌آموزان، گوش دادن به آن‌ها و استفاده از مشارکت و نظراتشان مؤثر به نظر می‌رسد تا به انطباق فعالیت‌های دموکراتیک‌تر کمک کنند و معلمان بتوانند با دانش‌آموزان خود در مدارس و جوامع زندگی کنند. هلم و همکاران (Helme et al., 2021) در پژوهش خود نشان دادند که استفاده از برنامه‌ی مدرسه‌ی فعال و بهبود محیط‌های فیزیکی و اجتماعی آن اثرات قابل توجهی بر توانایی و قابلیت افراد مدرسه داشته، فرصت و انگیزه‌ی دینفعان مدرسه محور را برای اتخاذ و اجرای فعالیت بهبود می‌بخشد و همچنین منجر به تغییر و بهبود رفتار دانش‌آموزان برای اتخاذ و اجرای فعالیت بدنی می‌شود. نتایج تحقیق بایرام و اکشیو اوغلو (Bayram & Eksioglu, 2020) نشان داد که بین کیفیت زندگی دانش‌آموزان در مدرسه و یادگیری مادام‌العمر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌های پژوهش کالپ (Calp, 2020) با هدف توصیف مدرسه‌ی مثبت، آرام و شاد از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان دوره ابتدایی ترکیه مشخص کرد که هر دو گروه می‌خواهند در مدرسه احساس کنند که در خانه خود هستند. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که محیط فیزیکی مدرسه باید به گونه‌ای سازماندهی شود که احساس راحتی بیشتری داشته باشند، در مدرسه احساس ارزشمندی کنند. آن‌ها همچنین آرزوی مدرسه‌ای را دارند که همه در آن احساس شادی کنند. در این مطالعه مدرسه شاد به عنوان مکانی معرفی می‌شود که همه‌ی اعضا احساس تعلق به آن داشته و در آن حس خوشحالی، رضایت، امنیت، احترام، همدلی می‌کنند. نتایج مطالعه ابن‌رومی و پولادیریشه‌ری (Ebneroumi & PouladiRishehri, 2011) چارچوبی متشکل از چهار بعد بینش جدید در آموزش، ساختار انعطاف‌پذیر، فضای فیزیکی

مناسب و زمینه رهبری خلاق با جنبه‌های فرهنگی، فناوری اطلاعات، اجتماعی و ... را نشان می‌دهد که می‌توان از آن برای شناسایی ویژگی‌های مدارس خلاق استفاده کرد. اینگنل (Engel, 2008) در پژوهش خود با عنوان «تجربیات آموزش دموکراتیک: مدرسه آزمایشگاه دیویی و جمهوری کودکان کورچاک» روش کار دو مربی مبتکر و اصلاح‌گر آموزش و پرورش یعنی جان دیویی و یانوش کورچاک را که به طور جداگانه دو شکل متفاوت از آموزش دموکراتیک را توسعه، اصلاح و اجرا کردند را به ترتیب در مدرسه آزمایشگاهی و جمهوری کودکان شرح می‌دهد. هر دو مربی به نوع جدیدی از محیط مدرسه نگاه می‌کردند. هر دو مدرسه از نظر طراحی، تجربی بودند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که هم کورچاک و هم دیویی دریافته‌اند که در چنین مدرسی مشارکت فعال ضروری است و جای رقابت باید همکاری حاکم باشد؛ یک اجتماع فعال و تعاونی که در آن افراد در ارتباط نزدیک با یکدیگر زندگی می‌کنند. سازماندهی و طبقه‌بندی موضوعات هم حول محور علایق کودک است. کولستد (Kohlstedt, 2008) در پژوهشی نشان داد که مربیان مترقی مانند جان دیویی با تلاش برای نفوذپذیرتر کردن مرزهای بین یادگیری کلاس درس و محیط طبیعی دانش‌آموزان، از معلمان خواست تا عناصر فکری و عملی را در برنامه‌های درسی خود به هم متصل کنند.

با عنایت به پیشینه‌ی مدرسه زندگی می‌توان نتیجه‌ی گرفت سابقه‌ی مطالعات مربوط در این حوزه نشان می‌دهد که در تحقیقات درون مرزی و برون مرزی به ندرت به صورت مستقیم و منسجم به این حوزه پرداخته شده است و هر کدام از این پژوهش‌های انجام یافته‌ی مرتبط و نزدیک به موضوع فقط تعدادی از عوامل مؤثر در استقرار مدرسی با ویژگی‌های مدرسه زندگی را ذکر کرده‌اند که هرچند می‌تواند در هموارسازی این مسیر تأثیرگذار باشد، اما با وجود اهمیت موضوع، این عوامل به وجودآورنده‌ی مدرسه زندگی به صورت جامع مدنظر قرار نگرفته بلکه به صورت پراکنده و جداگانه توسط مطالعات پیشین ذکر شده است و این پراکندگی شکافی در تحقیقات مرتبط به شمار می‌آید. به طور کلی از جمله مفاهیم مشابه اشاره شده در ادبیات موجود می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تاکیدی نقش و شایستگی‌های مدیر مدرسه (Farah Bakhsh & et al., 2016; Heydari Fard, 2015; Yasemi & et al., 2020); نقش و قابلیت‌های معلم (Zuelm, 2008; Ebneroumi & PouladiRishehri, 2011; Calp, 2020; Heydari Fard, 2015; Farah Bakhsh & et al., 2016; Yasemi 2008; Mahrozadeh & Abbasi, 2011); فعالیت و مشارکت دانش‌آموز (Marquez Garcia & et al., 2020); (2020); Helme & et al., 2021); (Farah Bakhsh & et al., 2016; Yasemi; Calp, 2020; Marquez Garcia & et al., 2021); (Ebneroumi & PouladiRishehri, 2011; Heydari Fard, ساختار (Zuelm, 2008; Mahrozadeh & Abbasi, 2012); (Farah Bakhsh & et al., 2016); (Zuelm, 2008; Heydari Fard, 2015; Yasemi & et al., 2020); (Farah Bakhsh & et al., 2016; Hasanpour, 2019) زمینه (Farah Bakhsh & et al., 2016; Hasanpour, 2019)؛ (Mahrozadeh & Abbasi, 2012; Hansen, ; Ebneroumi & PouladiRishehri, 2011; Helme & et al., 2021); (Zuelm, Kohlstedt, 2008; 2008 2002); (Farah ; Yasemi & et al., 2020) روش (Farah ; Yasemi & et al., 2020). (Zuelm, 2008; Karimi, 2012; Mahrozadeh & Abbasi, 2012 Bakhsh & et al., 2016

باعنایت به پیشینه مذکور و ضرورت ارائه یک الگوی جامع برای مدرسه زندگی، در این پژوهش طراحی مدل پارادایمی مدرسه زندگی و اعتباریابی آن مورد بررسی قرار گرفته و در این راستا به منظور طراحی مدل مدرسه زندگی که به‌عنوان پدیده محوری تحقیق مطرح است، بر اساس رهیافت نظام‌مند استراوس کوربین (Strauss & Corbin, 1998) عوامل علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌ای، راهبردها، پیامدها و دستاوردها استخراج شده و مدل پارادایمی شکل گرفته است و سپس به اعتباربخشی الگوی ارائه شده پرداخته شده است. بنابراین مهم‌ترین سوالاتی که این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آن‌ها بود عبارتند از:

- مقوله‌های تشکیل دهنده مدرسه زندگی برای دوره ابتدایی کدامند و مدل پارادایمی مناسب مدرسه زندگی برای دوره ابتدایی چیست؟

- آیا مدل پیشنهادی مدرسه زندگی برای دوره ابتدایی از اعتبار لازم برخوردار است؟

روش

در این پژوهش باتوجه به هدف و ماهیت مطالعه از روش ترکیبی یا آمیخته^۱ استفاده شده است. از آن جایی که پژوهش حاضر یک الگوی جدید برای مدرسه زندگی در دوره ابتدایی ارائه داده و از این طریق خلاء موجود در این حوزه را پر نموده است به لحاظ هدف یک پژوهش اکتشافی است و با توجه به این که گردآوری داده‌ها در دو رویکرد کیفی و کمی در دو مرحله مجزا و ترتیبی انجام و از نتایج کیفی در گام کمی استفاده شد (با اولویت رویکرد کیفی) و همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو مرحله کیفی و کمی به صورت غیرهمزمان، مستقل و ترتیبی انجام شده است لذا رویکرد پژوهش حاضر آمیخته اکتشافی متوالی با تأکید بر مدل پارادایمی است.

جامعه‌ی مورد مطالعه در مرحله کیفی شامل پژوهش‌های پیشین (مقالات علمی پژوهشی، طرح‌ها، کتاب‌ها، رساله‌های دکتری و پایان‌نامه‌ها) در زمینه‌ی موضوع بود در این مرحله به منظور گردآوری داده‌ها جهت شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مدرسه زندگی به روش اسنادی از منابع مکتوب استفاده شد و با رویکرد هدفمند مبتنی بر ملاک مرتبط‌ترین مطالعات به عنوان نمونه آماری انتخاب شد. در راستای انتخاب منابع در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر داخلی و خارجی (دارای هیئت تحریریه معتبر و نمایه شده در ISC, ISI, JCR به جستجوی کلمات کلیدی مدرسه زندگی، مدارس خلاق، مدارس نوآور، مدرسه آزمایشگاه دیوئی، مدارس شاد و رفاه محور، مدارس پویا، زنده و چندسویه، مدارس باشناط، مدارس سبز، مدارس مطلوب، مدارس بدون کیف و کتاب رسمی، باغ مدرسه؛ Creative School of life، Dewey's Lab School، Innovative school، School) پرداخته شد. منابع مرتبط با موضوع بین سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۰۰ مورد نظر بود و با استفاده از کلید واژه‌های مذکور، منابعی که به نحوی به بررسی مدرسی با ویژگی‌های مدرسه زندگی پرداخته بودند، در بانک‌های اطلاعات نشریات گردآوری شدند. همچنین برای یافتن پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری به سامانه گنج ایرانداک مراجعه شد. فهرست منابع و ماخذ متون مذکور نیز محقق را به سمت اسناد بیشتری هدایت کرد. در جستجوی اولیه ۶۸۶ منبع یافت شد. در مرحله‌ی بعد باتوجه به سطح اشباع نظری و طبق ملاک‌های انتخاب منابع که مدنظر پژوهش حاضر بود اسناد و منابع خارج از محدوده زمانی، بی‌ارتباط با موضوع و هدف، چاپ شده در نشریات نامعتبر و بازبینی و محدودسازی براساس پارامترهای مختلفی مانند عنوان، چکیده، محتوا و کیفیت روش پژوهش در نهایت ۲۷۹ منبع وارد تحلیل شد. همچنین جامعه‌ی آماری تحقیق در بخش کمی شامل کل معلمان زن و مرد دوره ابتدایی (نواحی یک و دو) شهر اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بود که مجموعاً ۱۷۴۳ نفر می‌باشد. جهت بررسی سوالات پژوهش و جمع‌آوری داده‌های نمونه آماری انتخاب شده، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده گردید و براساس فرمول کوکران نمونه ۳۱۵ نفر محاسبه شده که با احتساب ریزش ۱۰ درصدی حجم نمونه ۳۵۰ نفر برآورد گردید. در مرحله کیفی از روش نظریه داده‌بنیاد استفاده شد. دلیل استفاده از روش مذکور در پژوهش حاضر این بود که مدلی برای تبیین مدرسه زندگی وجود ندارد و به کارگیری این روش پژوهش می‌تواند چنین چارچوبی را فراهم آورد. لذا در این راستا جهت بررسی نظام‌مند داده‌های کیفی از رهیافت نظام‌مند استرواس و کوربین (Strauss & Corbin, 1998) که یکی از رهیافت‌های رویکرد داده‌بنیاد است استفاده شد. بر اساس این رهیافت، مجموع مقوله‌های استخراج شده از داده‌های خام در قالب مدل پارادایمی که مبتنی بر شناسایی عناصر شش‌گانه‌ی شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، راهبردها، شرایط مداخله‌گر، پیامدها، پدیده محوری است، قرار می‌گیرند. این روش سیستماتیک دارای سه مرحله اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است که برای تجزیه و تحلیل اطلاعات در پژوهش حاضر از روش کدگذاری (باز، محوری، انتخابی) استفاده شد تا در انتها مدل پارادایمی منطقی یا تصویری عینی از نظریه‌ی خلق شده ترسیم گردد. مراحل کلی تحلیل داده‌ها براساس مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین بدین شرح است: ابتدا متون منتخب یک بار مطالعه شدند تا نگاهی کلی به آن‌ها اتخاذ شود. سپس کدگذاری و تحلیل پاراگراف به پاراگراف و خط به خط متن انجام شد که براساس آن کدهای باز شکل گرفتند. در مرحله بعد مفاهیم را استخراج نموده و بعد مفاهیم مستخرج هم دسته‌بندی شد و براساس آن

مقوله‌سازی صورت گرفت. پس از انجام کدگذاری باز در سطح مفهوم و مقوله، در کدگذاری محوری، مقوله‌های مستخرج براساس مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین دسته‌بندی گردیدند و طی مرحله کدگذاری محوری و انتخابی، مدل مدرسه زندگی با مشخص شدن مقوله محوری، ویژگی‌ها و ابعاد مختلف دیگر مقوله‌ها و نحوه ارتباط آن‌ها باهم شکل گرفت. در بخش کمی پژوهش، بر مبنای کدگذاری‌ها و یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل مرحله کیفی، فرم مقدماتی پرسشنامه طراحی و جهت اصلاح و به منظور بررسی ارتباط گویه‌ها با موضوع، روایی صوری و محتوایی پرسشنامه به اساتید راهنما و مشاور و افراد صاحب‌نظر ارائه گردید و سپس فرم نهایی ابزار و پرسشنامه محقق ساخته در هفت مقوله و ۸۶ گویه به صورت بسته پاسخ براساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) تهیه گردید. پس از شناسایی مقوله‌ها و گویه‌ها، از طریق تکنیک دلفی کلاسیک تعدیل یافته (تک مرحله‌ای) به تأیید آن‌ها پرداخته شد. در مرحله دلفی پرسشنامه برگرفته از مقولات و گویه‌ها با پاسخ بلی/خیر در اختیار افراد منتخب قرار گرفت. جهت بررسی دلفی از ۱۰ خبره با میانگین سنی ۳۸/۷۰ سال و با انحراف معیار ۵/۰۳ در دامنه سنی ۳۲-۴۷ سال مورد بررسی قرار گرفتند. ۴۰ درصد خبرگان را مردان و ۶۰ درصد زنان تشکیل داده بودند. به‌طوری‌که ۵۰ درصد خبرگان دارای سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و ۵۰ درصد دکتری بودند. روش نمونه‌گیری افراد منتخب برای اعتباربخشی درونی به الگوی پیشنهادی ضمن هدفمند بودن، جهت انتخاب افراد خبره در این بخش از تکنیک گلوله برفی نیز بهره گرفته شد. معیار انتخاب این افراد منتخب نیز داشتن اطلاعات در زمینه موضوع پژوهش و همچنین سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری بود. یافته‌های استنباطی نشان داد، میزان توافق خبرگان بر روی تمامی مقوله‌های مدل مدرسه زندگی برای دوره ابتدایی و همچنین بر روی تمامی گویه‌های هر یک از مقوله‌ها، بالاتر از ۷۰ درصد پاسخ مثبت است. لذا میزان توافق ۷۰ درصد خبرگان، معیار تأیید مقوله‌ها و گویه‌ها می‌باشد. به دلیل آنکه اکثریت پاسخ دهندگان مقوله‌ها و گویه‌های مدل مدرسه زندگی برای دوره ابتدایی را تأیید کردند، الگوی دلفی تک مرحله‌ای در نظر گرفته شد.

در این مطالعه روایی صوری، روایی سازه، روایی همگرا و واگرا مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله کمی جهت تأیید روایی صوری ابزار پس از شناسایی و تعیین ابعاد و مولفه‌ها، پرسشنامه اولیه در اختیار افراد خبره و متخصص و اساتید قرار گرفت و از آنان نظرخواهی شد و با توجه به بازخوردها و نظرات اصلاحی ایشان، تغییرات لازم صورت پذیرفت. جهت بررسی روایی سازه طراحی شده از آزمون تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. برای بررسی روایی واگرا نیز از معیار فورنل و لارکر (Fornell & Larcker, 1981) و شاخص HTMT به کار رفت. مقدار شاخص HTMT بین بازه ۰/۲۰۱-۰/۷۰۴ به دست آمد. همچنین مقدار AVE تمامی مقوله‌های اصلی و فرعی مدل در روایی همگرا بالاتر از ۰/۵ قرار داشت. بنابراین مدل پیشنهادی از روایی همگرا و واگرای مناسبی برخوردار است.

در پژوهش حاضر برای محاسبه پایایی مرحله کیفی دو شاخص ثبات (پایایی بازآزمون) و تکرارپذیری (پایایی بین دو کدگذار) به کار رفت. در بازآزمون روش کار به این صورت بود که از میان کل اسناد، چند نمونه به صورت تصادفی انتخاب و هر کدام از آن‌ها دو بار در یک فاصله‌ی زمانی دوهفته‌ای کدگذاری شدند. سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله‌ی زمانی، برای هر کدام از اسناد با یکدیگر مقایسه شد و از طریق میزان توافقات و عدم توافقات موجود در دو مرحله کدگذاری، شاخص ثبات برای آن محاسبه شد. برای محاسبه پایایی بین دو کدگذار از آزمون کاپای کوهن استفاده شد. بدین منظور مفاهیم استخراج شده برای یک نفر متخصص در زمینه مربوطه ارسال گردید. فرد منتخب بدون اطلاع از نحوه ادغام کدهای ایجاد شده توسط محقق، اقدام به دسته‌بندی کدها نمود و سپس مفاهیم ارائه شده محقق و متخصص با یکدیگر مقایسه شد. در نهایت با توجه به تعداد مفاهیم مشابه و متفاوت ایجاد شده، شاخص کاپا محاسبه شد. پایایی برابر ۸۱ درصد در محاسبه پایایی بازآزمون و شاخص کاپای کوهن معادل ۰/۸۴۱ نشان از تأیید پایایی بین کدگذاری‌ها و توافق خوب بین ارزیاب‌ها دارد. برای بررسی پایایی مقوله‌های اصلی و فرعی مدل نیز از آزمون آلفای کرونباخ، شاخص‌های پایایی ترکیبی و Pدیلون-گلدشتاین استفاده شد که برای تمامی مقوله‌ها بالاتر از ۰/۷ بود و مدل اندازه‌گیری از پایایی مناسبی برخوردار است. همچنین مقدار پایایی هر یک از مقوله‌های اصلی مدل پژوهش با

استفاده از آزمون آلفای کرونباخ به ترتیب صلاحیت مدیر (۰/۹۲۸)، صلاحیت معلم (۰/۸۶۰)، صدای دانش‌آموز (۰/۸۷۹)، معماری مدرسه (۰/۸۶۳)، فرهنگ مثبت اندیشی (۰/۸۹۶)، ساختار ارگانیک (۰/۹۴۸) و یاددهی یادگیری اثربخش (۰/۹۱۲) به دست آمد که برای تمامی مقوله‌های اصلی پژوهش بالای ۰/۷ می‌باشد، بنابراین مقوله‌های اصلی از میزان پایایی و همسازي درونی بالایی جهت سنجش شاخص‌های خود برخوردارند.

نظر به اینکه در مطالعه حاضر لازم بود مدل مفهومی بدست آمده از بخش کیفی، آزمون شود، استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری در مرحله کمی ضرورت داشت. همچنین با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، اعتبار الگوی پیشنهادی پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. برای تحلیل کمی داده‌ها و تحلیل‌های تعقیبی از نرم افزار SPSS²⁶، AMOS²⁴، SMART-PLS³ و آزمون‌های آماری t تک نمونه‌ای، تحلیل عاملی تأییدی و معادلات ساختاری استفاده شد. موارد مذکور به طور خلاصه در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. خلاصه موارد مطرح در بخش روش‌شناسی پژوهش

کمی	کیفی
همبستگی - مدلسازی معادلات ساختاری	گرائند تئوری/ بررسی اسنادی (مبنای داده‌ها اسناد و متون نوشتاری)
جامعه آماری	اسناد و منابع مکتوب مرتبط با موضوع بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ به تعداد ۶۸۶ منبع
روش نمونه‌گیری	استفاده از نمونه‌گیری هدفمند مبتنی بر ملاک
استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای روش نمونه‌گیری افراد منتخب برای اعتباربخشی درونی به الگوی پیشنهادی ضمن هدفمند بودن، جهت انتخاب افراد خبره در این بخش از تکنیک گلوله برفی نیز بهره گرفته شد.	
حجم نمونه	طبق ملاک‌های انتخاب منبع که مدنظر پژوهش حاضر بود در نهایت ۲۷۹ منبع وارد تحلیل شد.
نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۱۵ نفر محاسبه شد و با احتساب ریزش ۱۰ درصدی حجم نمونه ۳۵۰ نفر برآورد گردید. نمونه منتخب برای اعتباربخشی درونی به الگوی پیشنهادی شامل ده نفر بود.	
معیار انتخاب افراد منتخب جهت اعتباربخشی درونی به الگوی پیشنهادی نیز داشتن اطلاعات در زمینه موضوع پژوهش و همچنین سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری بود.	مقالاتی که در محدوده زمانی ۲۰۲۱ تا ۲۰۰۰ قرار داشتند/ از نظر محتوایی مقالات پژوهشی و مروری/ چاپ شده در مجلات معتبر داخلی و خارجی/ تمرکز ویژه بر موضوع و بیشترین همخوانی و ارتباط با موضوع پژوهش (با توجه به پارامترهای مختلفی مانند عنوان، چکیده، محتوا و کیفیت روش پژوهش)
پرسشنامه محقق ساخته بر مبنای مقوله‌های شناسایی شده در مرحله کیفی در قالب ۷ عامل و مشتمل بر ۸۶ سؤال به صورت بسته پاسخ بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت	از آنجایی که در مرحله اول به‌منظور گردآوری داده‌ها به روش اسنادی از منابع مکتوب استفاده شد؛ لذا بررسی اسنادی و مطالعه و یادداشت‌برداری از اسناد و منابع، ابزار به کار رفته در این مرحله است.
استفاده از روایی صوری، روایی سازه، روایی همگرا، روایی واگرا	استفاده از تکنیک دلفی کلاسیک تعدیل یافته (تک مرحله‌ای) و دریافت نظرات اساتید راهنما و مشاور
برای بررسی پایایی مقوله‌های اصلی و فرعی مدل از آزمون آلفای کرونباخ و شاخص‌های پایایی ترکیبی و P دیلون - گلدشتاین استفاده شد.	استفاده از روش‌های پایایی بازآزمون و پایایی بین دو کدگذار
استفاده از آمار توصیفی و استنباطی/ تحلیل عاملی تأییدی/ معادلات ساختاری/ آزمون‌های آماری t تک نمونه‌ای و نرم افزارهای SPSS ²⁶ ، AMOS ²⁴ ، SMART-PLS ³	از روش نظریه داده بنیاد (رهیافت نظام مند استراوس و کوربین/ در قالب مدل پارادایمی) استفاده شد و داده‌های کیفی پژوهش از طریق فرآیند سه مرحله‌ای کدگذاری باز، محوری، انتخابی تحلیل شد.

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل و یافته‌های پژوهش حاضر در دو بخش کمی و کیفی به شرح زیر انجام شد. در مرحله کیفی براساس طرح نظام‌مند داده بنیاد برای تحلیل داده‌های کیفی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شد. از داده‌های خام اولیه ۱۰۵۲ نکته کلیدی در قالب ۱۴۵ مفهوم ضمن کدگذاری باز استخراج و مفاهیم مذکور در قالب ۳۲ مؤلفه و ۷ مقوله اصلی دسته‌بندی شد. نحوه استخراج و ادغام بدین صورت بود که ابتدا کلیه جملات و پاراگراف‌ها مطالعه شد و نکات کلیدی نوشته شد سپس جملاتی که دارای بار معنایی بودند در قالب مفهوم استخراج شدند. در مرحله اول مفاهیم مشابه ادغام شدند و کدهای محوری را شکل دادند و ادغام کدهای محوری مشابه نیز موجب تشکیل کدهای انتخابی شد. یافته‌های حاصل از بررسی دقیق متون و پژوهش‌های مرتبط پیشین بر اساس اجزای گراند تئوری تنظیم و جدول مربوط به مقولات استخراج شده آماده شد (جدول ۲).

جدول ۲. مقوله‌های مدرسه زندگی مستخرج از داده‌های کیفی بر اساس اجزای مدل پارادایمی

منابع	مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی	عناصر پارادایم گراند تئوری
Haji Mohammadi & et al (2021) Gohari Moghadam and et al (2021) Cheraghi & et al (2020) Khanifar and et al (2020) Yasemi & et al (2020) Bonyadi & et al (2018) Arefnejad (2017) Heydari Fard & et al (2016) Thanomwan & Dhatthakan (2013) Jacobson (2011)	نگاه خلاقانه، خیرگی در فناوری، پژوهش‌مداری نفوذ و ایجاد انگیزه، شایستگی ایجاد تغییر و تحول، مهارت ارتباطی تفکر نظام‌مند، توانایی درک پیچیدگی‌ها، قابلیت ذهنی اخلاق حرفه‌ای، سعه صدر، مشارکت‌طلبی، وجدان کاری، عدالت محوری	بینش حرفه‌ای رهبری آموزشی مهارت ادراکی پایبندی به اصول اخلاقی	صلاحیت مدیر	شرایط علی
Haji Mohammadi & et al (2021) Paraz and Heydari Fard (2020) Qardaku (2019) Hosseini & Bararpur (2017) Akin & et al (2016) Heydari Fard & et al (2016) Farah Bakhsh & et al (2016) Raelin (2006)	آگاهی از روش‌ها و فنون تدریس، شناخت مبانی و اصول تعلیم و تربیت، آشنایی با روان‌شناسی تربیت مدیریت کلاس درس، بهره‌گیری از شیوه‌های مناسب ارزشیابی، به کارگیری شیوه‌های نوین تشویق و ترغیب، داشتن طرح درس صلاحیت پژوهشی، مهارت فناوریانه، مشارکت‌جویی و روحیه کار گروهی، ذوق هنری و زیبایی‌شناختی، خلاقیت رأفت، انعطاف، آراستگی ظاهری متناسب با محیط آموزشی، خوش خلق و خوش روحیه	دانشی مهارتی حرفه‌ای شخصیتی	صلاحیت معلم	
Haji Mohammadi	آزادی عمل در تعیین و اجرای برنامه‌ها، دسترسی به اطلاعات و	عدم تمرکز	ساختار	

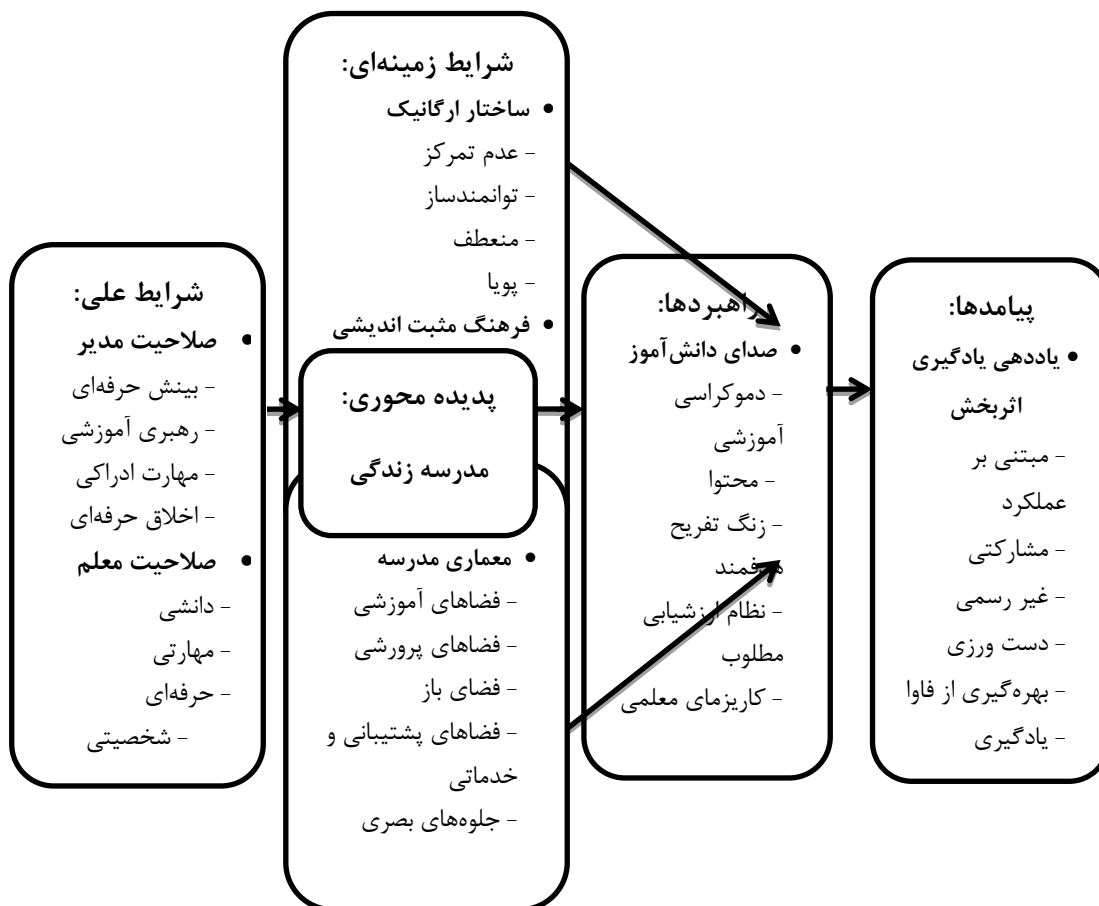
منابع	مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی	عناصر پارادایم گراندد تئوری	
& et al (2021) Gohari Moghadam and et al (2021) Cheraghi & et al (2020) Ghasemzadeh & et al (2020) Paraz and Heydari Fard (2020) Yasemi & et al (2020) Chang & Lin, (2017) Heydari Fard & et al (2017) Farah Bakhsh & et al (2016) Mihm & et al (2010) Vaezi & Sabzikaran (2010)	کنترل بر فرآیندها، تفویض اختیارات در محدوده کاری، کانون کنترل فعالیت‌های خود، وضع مقررات با مشارکت عاملان مدرسه، تصمیم‌گیری مستقل		ارگانیک	شرایط زمینه‌ای	
	توسعه توانایی‌ها و ظرفیت‌های افراد مدرسه، بهسازی از طریق اجرای دوره‌های آموزشی، برقراری شرایط آموزش‌های ضمن خدمت کاربردی، ایجاد شرایط کارگاه‌های عملی، توسعه تخصص افراد مدرسه	توانمندساز			
	واکنش مناسب نسبت به تحولات، تغییر فعالانه و خلاقانه در مقابل تحولات، سازگاری رویه‌ها با شرایط مدرسه و افراد، انعطاف در رویه‌ها، قوانین و مقررات مدرسه	منعطف			
	حرکت به سمت تحول و پرهیز از سکون، محیط و فضای فعال، جذاب و شاداب آموزشی، وجود شرایط تحرک کاری در افراد مدرسه، وجود یک نظام همکاری فعال و پویا در مدرسه	پویا			
Gohari Moghadam and et al (2021) Ghasemzadeh & et al (2020) Mohammadi & et al (2021) Taslimi & et al (2019) Qardaku (2019) Paraz and Heydari Fard (2020) Yasemi & et al (2020) Takhsh (2018) Chang & Lin, (2017) Heydari Fard & et al (2017) Hosseini & Bararpur (2017) Farah Bakhsh & et al (2016) Heydari Fard & et al (2016) Castiglione (2008)	وجود فضای همدلانه در مدرسه، فضای پشتیبانی از خلاقیت دانش‌آموزان، حمایت مادی و معنوی از عاملان مدرسه، جو و محیطی امن و مراقبتی برای یادگیری، جو استقبال و حفاظت از خلاقیت افراد مدرسه	فرهنگ حامی	فرهنگ مثبت اندیشی		
	اشتراک تجارب حرفه‌ای یا عملیاتی، نشر نوآوری بین همکاران، تبادل افکار، سهیم شدن در اطلاعات یکدیگر، اشتراک ایده‌ها و همکاری‌های دانشی	تسهیم دانش			
	گشودگی روابط، فضای تعاملی و مبتنی بر اطمینان و حرمت، فضای صمیمی و قابل اعتماد، اعتماد و احترام متقابل بین	اعتماد و احترام			

منابع	مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی	عناصر پارادایم گراند تئوری
	افراد مدرسه، وجود شرایط و محیط ایمن و عاری از ترس			
	وجود محیط مثبت برای مدرسه با تأکید علمی، اعتماد و باور خوش‌بینانه به معلم و دانش‌آموزان، تأکید بر ویژگی‌های مثبت دانش‌آموزان، کلاس و مدرسه، باورهای مربوط به قوت‌ها و ظرفیت‌های درونی مدرسه، اعتماد به والدین و پذیرا بودن آن‌ها در کلاس	خوش‌بینی علمی		
Hughes & Morrison (2020) Yasemi & et al (2020) Hosseini & Bararpur (2017) Farah Bakhsh & et al (2016) Shafizadeh & Akbari (2014) Jack (2010)	ایجاد امکاناتی مانند کارگاه، وجود آزمایشگاه‌های غنی، سازماندهی پویا و سازندهی کلاس درس، تناسب کلاس درس با فیزیک بدن کودکان	فضاهای آموزشی	معماری مدرسه	
	ایجاد فضای دلپذیر و شاداب نمازخانه، وجود کتابخانه دارای کتب غیردرسی و سالن مطالعه، مجهز بودن مدارس به فضای مناسب بازی‌های نمایشی، سرود، قصه‌خوانی، تعبیه فضا و محیطی برای نمایش و تئاتر کودکانه	فضاهای پرورشی		
	عناصر و مواد طبیعی نظیر فضای سبز، گیاهان و درختان، فضای فیزیکی سرشار از کُنده‌های قدیمی و فعالیت حشرات و حیوانات، ضرورت توجه به سالن ورزش و زمین چمن در مدارس ابتدایی، بهره‌گیری از عناصر طبیعی مانند تپه‌های خاکی و گودال ماسه، وجود حوضچه‌های کم عمق با رعایت امنیت	فضای باز		شرایط مداخله‌گر
	دسترسی راحت به سرویس‌های بهداشتی و آب‌خوری در مدارس ابتدایی، فضای آبدارخانه متناسب با تعداد پرسنل، استقرار بوفه و غذاخوری، وجود تهویه مناسب، تناسب دمایی و درجه هوای کلاس، تجهیزات	فضاهای پشتیبانی و خدماتی		

منابع	مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی	عناصر پارادایم گراندد تئوری
	<p>سرمايشی و گرمایشی، ضرورت وجود انبار جهت قرارگیری مراکز کنترل برق و آب</p> <p>نورپردازی طبیعی و مص نوعی مطابق با الگوی رفتاری دانش‌آموزان، ایجاد نقاشی‌های دیواری، چیدمان و دکوراسیون داخلی کلاس، تأمین کف‌سازی‌های مناسب، استفاده از رنگ‌های شاد، متنوع و متناسب، کیفیت نور و روشنایی، تناسب شکل و رنگ دیوار، سقف و کف</p>	جلوه‌های بصری		
<p>Haji Mohammadi & et al (2021)</p> <p>Mohammadi & et al (2021)</p> <p>Yasemi & et al (2020)</p> <p>Qardaku (2019)</p> <p>Mayes & et al (2019)</p> <p>Takhsh (2018)</p> <p>Heydari Fard & et al (2017)</p> <p>Hosseini & Bararpur (2017)</p> <p>Farah Bakhsh & et al (2016)</p> <p>Mozaffaripour (2016)</p> <p>Robertson (2015)</p> <p>Mahrozadeh & Abbasi (2012)</p> <p>Zuelm (2008)</p> <p>Raelin (2006)</p> <p>Lodge (2005)</p>	<p>مشارکت آموزشی، مشارکت پرورشی، مشارکت اجتماعی، مشارکت در تصمیم‌سازی، شنیده شدن نظرات</p> <p>سودمندی، پویایی، زیبایی، تناسب با علائق، نیازها و توانمندی‌های دانش‌آموزان، کاربرد بودن در زندگی دانش‌آموزان، پرداختن کتب درسی ابتدایی به مؤلفه‌های مهارت‌های لازم در زندگی روزانه، تنظیم فعال پویا، و مطلوب متن و تصاویر کتب، توجه به زیبایی‌های بلاغی، مادی و معنوی در کتب مقطع ابتدایی</p> <p>فرصت ایجاد رشد فیزیکی، رشد اجتماعی، رشد شناختی، رشد عاطفی دانش‌آموزان</p> <p>تناسب، جامعیت، استمرار، مبتنی بر مشارکت، منصفانه و شفاف، ارزشیابی برای تعالی و اصلاح</p> <p>ملاحظه‌گری معلم، خیرخواهی معلم، اثرگذاری ترغیبی معلم، همدلی و صرف وقت با دانش‌آموزان، توجه به تک تک دانش‌آموزان و گوش کردن به مشکلات و نیازهایشان، علاقه فراگیر به کلاس و مدرسه از طریق ادراک</p>	<p>دموکراسی آموزشی</p> <p>محتوا</p> <p>زنگ تفریح هدفمند</p> <p>نظام ارزشیابی مطلوب</p> <p>کاریمای معلمی</p>	<p>صدای دانش-آموز</p> <p>راهبردها</p>	

منابع	مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی	عناصر پارادایم گراند تئوری
	حمایت و مراقبت معلم			
Taslimi & et al (2019) Hosseini & Bararpur (2017) Karimi (2012) Mahrozadeh & Abbasi (2012)	فعالیت‌های عملی، انجام آزمایش، دستکاری عینی و محسوس مواد و لوازم، تجربه‌های دست اول، دستکاری وسایل و مواد آزمایشگاهی	مبتنی بر عملکرد	یاددهی یادگیری اثربخش	پیامدها
	بهره‌مندی از تجارب والدین و بازدید کنندگان از مدرسه، ارتباط با تجارب بزرگسالان در داخل مدرسه، یادگیری از طریق تعامل با همسالان ماهرتر خود، اشتراک نظرات با اعضای گروه، اشتراک‌گذاری تجارب توسط صاحبان مشاغل با دانش‌آموزان	مشارکتی		
	یادگیری از طریق بازی، یادگیری‌های طبیعی و آزاد، ایجاد فرصت یادگیری معنادار از طریق نمایش و تئاتر درسی، یادگیری با حضور در باغ وحش، موزه، حیات وحش، جمع‌آوری صدف‌ها، انواع سنگ‌ها و دیگر کلکسیون‌ها	غیر رسمی		
	استفاده از وسایل و ابزار جهت یادگیری، به کارگیری ابزاری چون چوب‌خط، چرتکه و مهره‌های شمارش، استفاده از چینه، اشیای فیزیکی و ابزاری چون گیره، مداد، متر، خط‌کش، مقواهای رنگی، کاربرد دست‌سازه در آموزش	دست‌ورزی		
	کاربرد رایانه، اینترنت، پست الکترونیکی، به کارگیری نرم‌افزارهای آموزشی، بازی‌های آموزشی رایانه‌ای، استفاده از نرم‌افزارها و برد هوشمند	بهره‌گیری از فاوا		
	به کارگیری فیلم و نوارهای ویدئویی آموزشی دروس، استفاده از عکس، نمودارها، نقشه‌ها و اشکال آموزشی، بهره‌گیری از پروژکتور و پاورپوینت، نمایش تصویری مطالب درسی	یادگیری چندرسانه‌ای		

با توجه به جدول ۲ و نیز فرایند کدگذاری محوری و گزینشی از مفاهیم برخاسته از کدهای باز بر اساس عناصر نظریه داده بنیاد می‌توان چنین گفت که مفهوم مدرسه زندگی از ۷ مقوله اصلی، ۳۲ مؤلفه به اشباع نظری رسیده است. با بررسی و تجمیع این کدها مدل پارادایمی الگوی مدرسه زندگی بر اساس نظریه داده بنیاد ترسیم شد. در این مدل هر طبقه با توجه به شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها بررسی شدند. مدل ترسیمی ارائه شده در شکل ۱ بیان تصویری این روابط است.



شکل ۱. الگوی پارادایمی مدرسه زندگی بر اساس طرح نظام‌مند نظریه داده بنیاد، (منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

اعتباربخشی مدل

در این بخش داده‌های گردآوری شده در راستای هدف پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

مدل اندازه‌گیری (تحلیل عاملی تأییدی)

به‌منظور تأیید این که آیا عوامل صلاحیت مدیر، صلاحیت معلم، صدای دانش آموز، معماری مدرسه، فرهنگ مثبت اندیشی، ساختار ارگانیک و یاددهی یادگیری اثربخش مقوله‌های اصلی سازنده عناصر پارادایم گردند تئوری (شرایط علی، راهبردها، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای و پیامدها) هستند یا خیر و این که هر یک از مقوله‌های اصلی مذکور تا چه اندازه این عناصر را به‌عنوان یک سازه تبیین می‌نمایند، از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. در جدول ۳ شاخص‌های برازش هر مقوله در تحلیل عاملی تأییدی شرایط علی، راهبردها، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای و پیامدها ارائه شده است.

جدول ۳. شاخص‌های تناسب مدل

متغیرها	χ^2	Df	P-Value	CMIN/DF	RMSEA (CI90%)	PNFI	CFI	PCFI	IFI	GFI
شرایط علی	۲۰۵۰/۶۰۶	۷۳۱	<۰/۰۰۱	۲/۸۰۵	(۰/۰۹) - (۰/۰۶) / ۰/۰۷۱	۰/۷۰۴	۰/۹۹۳	۰/۷۴۳	۰/۹۹۳	۰/۹۶۵
شرایط زمينه‌ای	۴۹/۶۳۵	۱۹	<۰/۰۰۱	۲/۶۱	(۰/۰۸) - (۰/۰۵) / ۰/۰۶۷	۰/۶۶۱	۰/۹۸۱	۰/۶۶۵	۰/۹۶۱	۰/۹۴۸
شرایط مداخله‌گر	۱۵۷/۰۵۲	۵۰	<۰/۰۰۱	۳/۱۴۱	(۰/۰۹) - (۰/۰۶) / ۰/۰۷۸	۰/۷۲۷	۰/۹۷۲	۰/۷۳۶	۰/۹۷۲	۰/۹۳۱
راهبردها	۴۷۲/۵۲۸	۱۶۶	<۰/۰۰۱	۲/۸۴۷	(۰/۰۸) - (۰/۰۶) / ۰/۰۷۳	۰/۷۸۴	۰/۹۳۰	۰/۸۱۳	۰/۹۳۱	۰/۹۰۴
پیامدها	۲۳/۲۵۹	۹	<۰/۰۰۱	۲/۵۸۰	(۰/۰۷) - (۰/۰۴) / ۰/۰۶۷	۰/۶۶۹	۰/۹۵۴	۰/۶۷۲	۰/۹۵۴	۰/۹۳۲

*میزان قابل قبول شاخص‌ها، PCFI، PNFI (>۰.۵)، GFI، CFI، IFI (>۰.۹)، RMSEA (<۰.۰۸)، CMIN/DF (۳ < خوب، <۵ قابل قبول).

شاخص‌های گزارش شده در تحلیل عاملی تأییدی نشان دهنده برازش کاملاً مطلوب داده‌ها با مدل است. همانطور که مشاهده می‌شود، بارهای عاملی لامبداها $\lambda > 0.5$ (وزن‌های رگرسیون استاندارد شده) و $R^2 > 0.3$ نیز در کلیه شاخص‌ها مناسب است، در نتیجه برازش قابل قبول مدل اندازه‌گیری با داده‌ها، تأییدکننده تک بعدی بودن مدل اندازه‌گیری شرایط علی، راهبردها، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمينه‌ای و پیامدها می‌باشد.

بخش اندازه‌گیری

در ابتدا بخش اندازه‌گیری مدل پیشنهادی پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. بار عاملی تمامی مقوله‌های اصلی و فرعی مدل پژوهش بزرگتر از ۰/۴ بود. بار عاملی هر یک از مقوله‌های اصلی و فرعی مدل پارادایمی مدل مدرسه زندگی در جدول ۴ نشان داده شده است. میزان تبیین واریانس هر یک از مؤلفه‌ها نسبت به تمام عوامل مدل بررسی می‌شود تا برازش مدل با دقت بیشتری ارزیابی شود.

جدول ۴. ضرایب بارهای عاملی به تفکیک مقوله‌های اصلی و فرعی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	بار عاملی	مقوله اصلی	مقوله فرعی	بار عاملی	
شرایط علی	صلاحیت مدیر	۰/۸۹۴	راهبردها	دموکراسی آموزشی	۰/۸۹۱	
	بینش حرفه‌ای	۰/۸۵۸		کاریزمای معلمی	۰/۷۸۴	
	رهبری آموزشی	۰/۷۱۴		نظام ارزشیابی مطلوب	۰/۳۳۲	
	مهارت ادراکی	۰/۷۰۱		محتوا	۰/۳۴۷	
	اخلاق حرفه‌ای	۰/۵۴۰	شرایط مداخله‌گر	فضاهای آموزشی و پرورشی	۰/۵۸۸	
	صلاحیت معلم	۰/۸۹۲		فضای باز	۰/۹۳۱	
	دانشی	۰/۹۲۹		فضاهای پشتیبانی و خدماتی	۰/۸۵۰	
	مهارتی	۰/۵۳۲		جلوه‌های بصری	۰/۳۹۷	
	شرایط زمينه‌ای	حرفه‌ای	۰/۶۵۶	شرایط زمينه‌ای	فرهنگ مثبت اندیشی	۰/۹۵۵
		شخصیتی	۰/۳۴۷		ساختار ارگانیک	۰/۸۲۲

بار عاملی استاندارد برای تک تک مقوله‌های اصلی و فرعی هر یک از عوامل مدل پارادایمی مدل مدرسه زندگی نشان داده در جدول ۴ بیشتر از ۰/۳ بودند؛ که نشان می‌دهد واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده، بنابراین همه مقوله‌های اصلی و فرعی به طور معنادار به عامل زیربنایی خود مرتبط

هستند و می‌توان گفت که مدل اندازه‌گیری طی ارزیابی شاخص‌های جزئی مطلوب است.

بخش ساختاری

در ادامه به بررسی بخش ساختاری مدل پیشنهادی پژوهش پرداخته می‌شود. شاخص R^2 میزان واریانس تبیین شده متغیرهای نهفته درونزا را نشان می‌دهد. مقدار ضریب تبیین عوامل مقوله محوری، راهبردها و پیامدها به ترتیب برابر ۶۷/۹ درصد، ۱۱/۵ درصد و ۱/۵ درصد است. شاخص‌های اعتبار مشترک و ارتباط پیش بین متغیرها بالاتر از صفر می‌باشد که نشان دهنده کیفیت مناسب مدل است. شاخص GOF در این مطالعه ۰/۶۰۴ به دست آمده است که با توجه به ملاک تعیین شده در حد قوی می‌باشد، بنابراین برازش کلی مدل تایید می‌شود و مجموع مدل ساختاری و مدل اندازه‌گیری کیفیت مناسب در تبیین متغیرهای پژوهش دارند (جدول ۵).

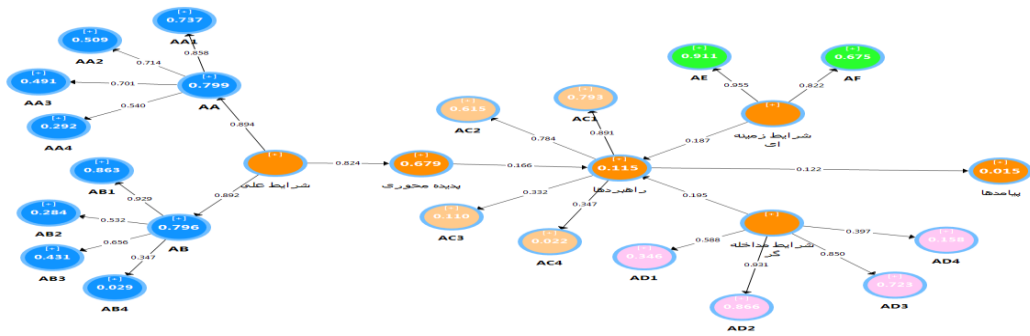
$$\text{نیکویی برازش} = \sqrt{\text{ضریب تبیین} \times \text{شاخص اشتراک}} = \sqrt{0.712 \times 0.513} = 0.604$$

جدول ۵. شاخص‌های کیفیت مدل ساختاری

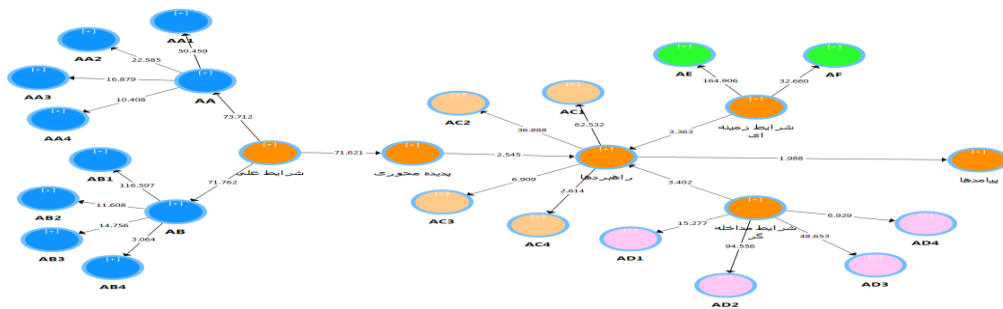
GOF	CV-com	CV-red	ضریب تعیین تعدیل یافته (Adj.R ²)	ضریب تعیین (R ²)	متغیرها
۰/۶۰۴	۰/۳۳۴	-	-	-	شرایط علی
	۰/۲۰۷	۰/۴۱۸	۰/۷۹۹	۰/۷۹۹	صلاحیت مدیر
	۰/۵۴۷	۰/۴۹۰	۰/۷۳۶	۰/۷۳۷	بینش حرفه‌ای
	۰/۶۱۹	۰/۳۸۷	۰/۵۰۸	۰/۵۰۹	رهبری آموزشی
	۰/۵۱۹	۰/۳۶۱	۰/۴۹۰	۰/۴۹۱	مهارت ادراکی
	۰/۴۵۲	۰/۱۸۲	۰/۲۹۰	۰/۲۹۲	اخلاق حرفه‌ای
	۰/۳۰۵	۰/۲۴۵	۰/۷۹۶	۰/۷۹۶	صلاحیت معلم
	۰/۴۸۴	۰/۴۲۸	۰/۸۶۳	۰/۸۶۳	دانشی
	۰/۴۰۶	۰/۱۷۹	۰/۲۸۱	۰/۲۸۴	مهارتی
	۰/۵۵۱	۰/۵۴۸	۰/۴۲۹	۰/۴۳۱	حرفه‌ای
	۰/۴۲۳	۰/۱۰۶	۰/۰۲۶	۰/۰۲۹	شخصیتی
	۰/۳۸۳	۰/۰۱۴	۰/۱۱۵	۰/۱۱۵	راهبردها (صدای دانش آموز)
	۰/۴۴۸	۰/۴۷۲	۰/۷۹۳	۰/۷۹۳	دموکراسی آموزشی
	۰/۴۵۴	۰/۴۲۷	۰/۶۱۳	۰/۶۱۵	کاریزمای معلمی
	۰/۵۳۵	۰/۰۷۴	۰/۱۰۸	۰/۱۱۰	نظام ارزشیابی مطلوب
	۰/۳۱۸	۰/۰۱۱	۰/۰۱۹	۰/۰۲۲	محتوا
	۰/۴۶۶	-	-	-	شرایط مداخله‌گر (معماری مدرسه)
	۰/۲۷۵	۰/۱۲۸	۰/۳۴۴	۰/۳۴۶	فضاهای آموزشی و پرورشی
	۰/۵۸۲	۰/۶۷۱	۰/۸۶۵	۰/۸۶۶	فضای باز
	۰/۶۸۱	۰/۶۷۴	۰/۷۲۲	۰/۷۲۳	فضاهای پشتیبانی و خدماتی
	۰/۵۷۸	۰/۱۲۲	۰/۱۵۵	۰/۱۵۸	جلوه‌های بصری
	۰/۵۴۹	-	-	-	شرایط زمینه‌ای
	۰/۵۱۴	۰/۶۴۵	۰/۹۱۱	۰/۹۱۱	فرهنگ مثبت اندیشی
	۰/۶۴۱	۰/۵۴۶	۰/۶۷۴	۰/۶۷۵	ساختار ارگانیک
	۰/۴۸۹	۰/۳۶۴	۰/۰۱۵	۰/۰۱۵	پیامدها (یاددهی یادگیری اثربخش)
	۰/۰۲۴	۰/۴۱۱	۰/۶۷۹	۰/۶۷۹	پدیده محوری

شکل‌های ۲ و ۳ به ترتیب ضرایب استاندارد و آماره t مسیرهای بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. با توجه به

نمودارهای به دست آمده می‌توان روابط بین متغیرهای پژوهش را نیز در جدول ۶ خلاصه نمود.



شکل ۲. ضریب مسیر



شکل ۳. مقدار آماره t

جدول ۶. نتایج اثرات مستقیم مدل پژوهش

P	95% CI		t	B	اثرات مستقیم
	کران بالا	کران پایین			
<۰/۰۰۱	۰/۹۹۷	۰/۶۲۸	۷۱/۶۲۱	۰/۸۲۴	شرایط علی ---> پدیده محوری
۰/۰۱۱	۰/۲۸۹	۰/۰۳۶	۲/۵۴۵	۰/۱۶۶	پدیده محوری ---> راهبردها
۰/۰۴۲	۰/۲۱۷	۰/۰۸۵	۱/۹۸۸	۰/۱۲۲	راهبردها ---> پیامدها
<۰/۰۰۱	۰/۳۱۵	۰/۰۴۱	۳/۴۰۲	۰/۱۹۵	مداخله‌گر ---> راهبردها
<۰/۰۰۱	۰/۳۰۲	۰/۰۱۱	۳/۳۶۳	۰/۱۸۷	شرایط زمینه‌ای ---> راهبردها

CI: فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد

نتایج نشان می‌دهد، شرایط علی بر پدیده محوری در مدل پارادایمی مدرسه زندگی اثرگذار است ($P < 0/001$)، $\beta = 0/824$ ؛ و می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، وجود شرایط علی در مدرسه زندگی به میزان ۸۲ درصد بر پدیده محوری مؤثر است.

پدیده محوری بر راهبردها در مدل پارادایمی مدرسه زندگی اثرگذار است ($P = 0/011$)، $\beta = 0/166$ ؛ و می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، وجود پدیده محوری در مدرسه زندگی به میزان ۱۶ درصد بر راهبردها مؤثر است. راهبردها بر پیامدها در مدل پارادایمی مدرسه زندگی اثرگذار است ($P = 0/042$)، $\beta = 0/122$ ؛ و می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، وجود راهبردها در مدرسه زندگی به میزان ۱۲/۲ درصد بر پیامدها مؤثر است. مداخله‌گر بر راهبردها در مدل پارادایمی مدرسه زندگی اثرگذار است ($P < 0/001$)، $\beta = 0/195$ ؛ و می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، وجود مداخله‌گر در مدرسه زندگی به میزان ۱۹/۵ درصد بر راهبردها مؤثر است. شرایط زمینه‌ای بر راهبردها در مدل پارادایمی مدرسه زندگی اثرگذار است ($P < 0/001$)، $\beta = 0/187$ ؛ و می‌توان گفت که

در سطح اطمینان ۹۵ درصد، وجود شرایط زمینه‌ای در مدرسه زندگی به میزان ۱۸/۷ درصد بر راهبردها مؤثر است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر طراحی و اعتباریابی مدل مناسب مدرسه زندگی برای دوره ابتدایی بود. در راستای سوالات پژوهش و بر پایه‌ی منابع داخلی و خارجی، مقوله‌های تأثیرگذار بر استقرار و تحقق مدرسه زندگی مشخص شد و باتوجه به روش داده‌بنیاد و طرح نظام‌مند استراوس کوربین مدل مذکور طراحی و سپس اعتبارسنجی شد. نتایج نشان داد که هفت مقوله (صلاحیت مدیر، صلاحیت معلم، صدای دانش‌آموز، معماری مدرسه، ساختار سازمانی ارگانیک، فرهنگ مثبت اندیشی و یاددهی یادگیری اثربخش) در این رابطه متمرثر هستند.

در تبیین نتایج حاصل و عناصر و اجزای الگوی برگرفته از داده‌های پژوهش، نخست مشخص شد که یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در استقرار مدرسه زندگی، صلاحیت منابع انسانی است. منابع انسانی هر سازمان مهم‌ترین و بارزترین عامل حیات آن است که بر تمامی ابعاد سازمان و ارتباط آن با عوامل بیرون از خود اثر دارد و مهم‌ترین عنصر مؤثر بر نتایج و اثرات عملکرد آن نیروی انسانی فعال سازمان است (Aminbeidokhti et al., 2022) که در این رابطه صلاحیت‌های حرفه‌ای و شخصیتی مدیر مدرسه و معلم، دارای اهمیت بالایی می‌باشد. پژوهش‌های مختلف تأییدکننده‌ی نقش مثبت ویژگی‌ها و صلاحیت‌های مدیر آموزشی و معلم در این راستا می‌باشند که از این میان می‌توان به پژوهش‌های (Paraz 2020; Gohari Moghadam and et al., 2021; Haji Mohammadi & et al., 2021; Akın & et al., 2016; Bonyadi & et al., 2018; Qardaku, 2019; Khanifar and et al., 2020; and Heydari Fard, 2013; Raelin, 2006; Jacobson, 2011; Thanomwan & Dhatthakan, 2013) اشاره کرد.

مدارس نوآور از نظر سبک رهبری مدیر و میزان حرفه‌گرایی معلمان با سایر مدارس متفاوت هستند (Heidari Fard et al., 2017). به اعتقاد (Zuelm, 2008) لازمه‌ی گام برداشتن برای تحقق مدرسه‌ی زندگی به کارگیری نخبه‌ترین و توانمندترین نیروهای آموزش و پرورش در منصب و جایگاه مدیریت مدرسه است. بنابراین صلاحیت مدیر به عنوان یک عامل مؤثر در تحقق مدرسه زندگی در ذیل شرایط علی آمده است. علاوه بر این، اساس و شالوده یک نظام آموزشی موفق را معلمان تشکیل می‌دهند (Arefnejad, 2017). معلمان اصلی‌ترین منابع انسانی نظام تعلیم و تربیت کشور هستند و میزان شایستگی‌ها، توانایی‌ها و مهارت‌های آن‌ها بر اثربخشی و کیفیت فرایند تعلیم و تربیت مؤثر است (Aminbeidokhti et al., 2022). برخی اثربخشی معلم را علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی در موارد متفاوت دیگری مانند تخصص‌های حرفه‌ای می‌دانند؛ در واقع به نظر می‌رسد یک معلم خوب بسیاری از صلاحیت‌ها و ویژگی‌های اخلاقی، هنجاری و نیز تخصص‌های لازم را باید داشته باشد (Mozaffaripour, 2016). بنابراین صلاحیت معلم نیز به عنوان عاملی علی با مدرسه زندگی در ارتباط است. بر این اساس، عناصر و مؤلفه‌های مهمی که ذیل شرایط علی یعنی صلاحیت مدیر و صلاحیت معلم آمده است شامل: بینش حرفه‌ای، رهبری آموزشی، مهارت ادراکی و اخلاق حرفه‌ای مدیر مدرسه و همچنین صلاحیت‌های دانشی، مهارتی، حرفه‌ای و شخصیتی معلم می‌باشد.

راهبرد مؤثر برای حرکت رو به جلوی استقرار و تحقق مدرسه زندگی، ایجاد بستر مناسب برای ارج نهادن به آوای دانش‌آموزان و شنیدن صدای آن‌هاست. به منظور دسته‌بندی پیشایندهای تحقق صدای دانش‌آموز از پنج مؤلفه‌ی جامع استفاده شد که شامل دموکراسی آموزشی، کاریزمای معلمی، نظام ارزشیابی مطلوب، محتوا و زندگی تفریح هدفمند می‌باشد. در بحث تحقق صدای دانش‌آموز کدها و عوامل زیرمجموعه‌ی مرتبط با پنج دسته‌بندی فوق در مطالعات قبلی تکرارپذیری بیشتری داشتند و مطالعات بیشتری را به خود اختصاص دادند. دیوئی در مدرسه زندگی به نیاز دانش‌آموزان برای ابراز عقاید و افکار خود، ارج می‌نهد. به نظر او دانش‌آموزان، خلاق و پژوهنده هستند پس باید فرصت‌هایی را در اختیار آن‌ها قرار داد تا بتوانند عقاید، افکار و هنرمندی‌های خود را آشکارا و آزادانه به دیگران عرضه کنند (Mahrozadeh & Abbasi, 2012). برای این که یادگیرندگان درگیر خلاقیت شوند و به منظور حرکت به سمت استقلال، به تجربه‌های بیشتری با قدرت انتخاب نیاز دارند (Yasemi et al., 2020). این بخش از یافته‌ها با پژوهش‌های-

(Robertson, 2015; Hosseini & Bararpur, 2017; Mayes & et al., 2019; Mohammadi & et al., 2021) همسو می‌باشد و همگی به نوعی بر مشارکت فعال از سوی دانش‌آموزان در ابعاد مختلف به عنوان لازمه‌ی تحقق مدرسه زندگی تأکید دارند. در این رابطه (Mohammadi & et al., 2021) ذکر کرده‌اند که تحقق صدای دانش‌آموز به دنبال گوش دادن و پاسخگویی به آن‌ها به عنوان ذینفعان اصلی، هدفش بهبود نتایج آموزشی و ایجاد محیط یادگیری جذاب، معنی‌دار و پرمحتواست. شنیدن صدای دانش‌آموزان و درگیر کردن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها فرصتی برای خوداندیشی، اکتشاف و درون‌یابی اعتقادات، ارزش‌ها، دانش و تجربه قبلی خواهد شد و زمانی که ایده‌ی صدای دانش‌آموز در زمینه‌های مبتلابه، تعیین‌کننده تغییر است راهی به سوی پیشرفت مدرسه خواهد بود. (Lodge, 2005) معتقد است دموکراسی و مشارکت دانش‌آموزان باید به عنوان بخشی از موقعیت یادگیری در نظر گرفته شود و دیدگاه‌ها، نظرات و خواسته‌های دانش‌آموزان به همراه نیازها و تجربیات آن‌ها باید مبنای برنامه‌ریزی کل فعالیت‌های مدرسه باشد. ایمان به خرد و عقل دانش‌آموزان و صلاحیت آن‌ها برای اظهارنظر و بحث و حق و مسئولیت شاگردان در اخذ تصمیماتی که مستقیم و غیرمستقیم در وضع آن‌ها مؤثر است، جزو مهم‌ترین مؤلفه‌های آموزشی از نظر دیوئی می‌باشد (Gholtash & et al., 2014).

طبق یافته‌های پژوهش حاضر، شرایط زمینه‌ای به دو مقوله ساختار ارگانیک و فرهنگ مثبت اندیشی تقسیم می‌شوند که این مقوله‌ها زمینه‌ساز استقرار مدرسه زندگی می‌باشند. از مؤلفه‌های مهمی که ذیل ساختار ارگانیک قرار می‌گیرد عدم تمرکز، ساختار توانمندساز، منعطف و پویا می‌باشد. همچنین فرهنگ مثبت اندیشی به چهار مؤلفه شامل فرهنگ حامی، تسهیم دانش، اعتماد و احترام و خوش‌بینی علمی تقسیم می‌شود. در بحث شرایط زمینه‌ای به عنوان یکی دیگر از عوامل اثرگذار در تحقق مدرسه زندگی، کدهای پرتکرار پژوهش که شامل جو و فضای حامی، اعتماد و احترام، عدم تمرکز، توانمندسازی، قوانین انعطاف‌پذیر، ساختار پویا و... بودند به طور جداگانه در مطالعات (Ghasemzadeh & et al., 2020; Cheraghi & et al., 2020; Chang & Lin, 2017; Taslimi & et al., 2019; Mashayekhi & et al., 2019; Heidari Fard et al., 2017; Castiglione, 2008; Mihm & et al., 2010) نیز مورد تأکید بوده است. برخی از مدیران مدارس موفق استراتژی‌های پشتیبان شامل ایجاد ساختار و فرهنگ مدرسه را به کار گرفته‌اند. قطعاً این استراتژی‌ها در راستای توانمند ساختن فراگیران و ایجاد مدرسه شاد و رفاه‌محور مفید بوده است (Mashayekhi & et al., 2019). هرگونه اصلاح اثربخش در مدارس باید مؤلفه‌ای مانند ساختار مدرسه را مدنظر قرار دهد (Cheraghi & et al., 2020). به اعتقاد (Heidari Fard et al., 2017) در شرایط حاضر، ساختار متمرکز نظام آموزشی پاسخگوی نیازهای حال و آینده ذی‌نفعان نظام آموزشی نخواهد بود. موضوع اهمیت ساختار سازمانی در شکل‌گیری فرآیندهای سازمانی و توسعه منابع انسانی مورد توجه سازمان‌ها و پژوهشگران قرار گرفته و این مطالعات منجر به تغییرات وسیع در جایگزینی ساختارهای متمرکز، سنتی، و غیرفعال با ساختارهای سازمانی فعال، پویا، خودمدیریتی و مشارکتی شده است (Mihm & et al., 2010). در واقع ساختارهای سنتی با ویژگی‌هایی چون تمرکز، کنترل نزدیک، تقسیم کار شدید، عدم انعطاف در برابر تغییرات محیطی و شکل مکانیکی خود، هرگونه تحرک و پویایی را از افراد می‌گیرد (Vaezi & Sabzikaran, 2010); بنابراین اداره امور مدارس مبتنی بر شیوه‌های مشارکت‌جویانه و غیرمتمرکز علاوه بر فعال، پویا و پرنشاط نمودن فضای عمومی مدرسه می‌تواند در شکوفا کردن خلاقیت‌ها و توانمندی‌های مدیران، معلمان و دانش‌آموزان مؤثر و مفید باشد (Takhsh, 2018). فرهنگ نیز از عوامل زمینه‌ای مؤثر در تحقق مدرسه زندگی می‌باشد. بدون تردید یکی از مهم‌ترین ویژگی مدارس، فرهنگ سالم و مثبت آن مدرسه است. فرهنگ مدرسه عامل پیوند دهنده‌ای است که مدیران، معلمان، دانش‌آموزان و والدین نگاه، باور، درک و اعتقادات مشترک خود برای هرگونه هماهنگی در تعاملات مستمر نیازمند آن هستند (Taslimi & et al., 2019) و تغییرات مدرسه بدون حمایت فرهنگی نمی‌تواند موفق شود (Heidari Fard et al., 2016).

از دیگر کدهای مستخرج به عنوان شرایط مداخله‌گر، معماری مدرسه بود که بر اساس تحلیل صورت گرفته، این شرایط مداخله‌گر تأثیرگذار بر مدرسه زندگی دارای ۵ مؤلفه است که شامل فضاهای آموزشی، فضاهای پرورشی،

فضای باز، فضاهای پشتیبانی و خدماتی و جلوه‌های بصری هستند. کدها و موارد مطرح در مقوله معماری مدرسه در مطالعات (Shafizadeh Hosseini & Bararpur, 2017; Hughes & Morrison, 2020; Calp, 2020; Hasanpor, 2020; Jack, 2010; & Akbari, 2014) نیز مورد تأکید بوده و با نتایج حاصل از پژوهش‌های مذکور همسو و هماهنگ است. (Hasanpor, 2020) در پژوهش خود نشان داد که عدم توجه به عناصر تشکیل دهنده فضای آموزشی مثل کلاس‌ها، راهروها، فضاهای باز، تجهیزات می‌تواند اثرات منفی بر روی دانش‌آموزان داشته باشد. شادابی در مدارس به صورت تک‌علتی نیست بلکه مجموعه‌ای از عوامل فیزیکی، آموزشی، اجتماعی، سازمانی و فرهنگی در آن تأثیر دارند (Shafizadeh & Akbari, 2014). داشتن محیط یادگیری مثبت، آرام و شاد به ویژه برای معلمان و دانش‌آموزان دبستانی بسیار مهم است (Calp, 2020). از نظر دیویی محیط، واسطه و ابزار تأثیر آموزشی است. وی استدلال می‌کند که در واقع هیچ چیزی به عنوان تأثیر مستقیم یک انسان بر دیگری، جدا از استفاده از محیط فیزیکی و طبیعی به عنوان واسطه وجود ندارد؛ لذا این که به محیط‌های شانس‌ی اجازة انجام کار را بدهیم، یا این که محیط‌هایی را برای این هدف طراحی کنیم، تفاوت زیادی ایجاد می‌کند (Hansen, 2002). بنابراین لازمه اصلاح کالبد آموزش و پرورش، ایجاد فضاهای مرتبط با فعالیت دانش‌آموزان است؛ فضاهایی که دارای شرایط مطلوب و مناسب برای رشد اجتماعی، ذهنی، فیزیکی و عاطفی کودکان است که تحقق این امر از طریق طراحی جزئیات فضاها با توجه به الگوهای رفتاری کودکان امکان‌پذیر می‌گردد (Khodami, 2018). (Helme et al., 2021) نشان دادند که استفاده از برنامه‌ی مدرسه‌ی فعال و بهبود محیط‌های فیزیکی و اجتماعی آن اثرات قابل توجهی بر توانایی و قابلیت افراد مدرسه دارد. جامعه‌شناسان نیز توجه خود را به سوی اهمیت طبیعت و چینش فضا برای یادگیری و درک دانش سوق داده‌اند. در مدرسه‌ی خلاق به عنوان مدرسه‌ی زندگی قواعد دو جنبه‌ی مذکور به طور کامل به اجرا درمی‌آید و این امر نیازهای یک برنامه آموزش ملی و حتی فراتر از آن را نیز برآورده می‌کند (Hosseini & Bararpur, 2017).

در نهایت، یاددهی- یادگیری اثربخش به عنوان پیامد و دستاورد در مدرسه زندگی متشکل از ۶ مؤلفه‌ی یاددهی یادگیری مبتنی بر عملکرد، مشارکتی، غیر رسمی، دست‌ورزی، بهره‌گیری از فاوا و یادگیری چند رسانه‌ای می‌باشد. الگوهای آموزشی که دانش‌آموز را در محور فعالیت‌های خود قرار می‌دهند و نیز تکنولوژی آموزشی در صدد تحقق آموزش و یادگیری پایدار و اثربخش هستند که از اهداف مهم نظام‌های آموزشی می‌باشد (Shahalizadeh, 2014). بحث درباره مدرسه زندگی، نگاهی نو به فرآیند یاددهی- یادگیری است و تأکید فراینده بر مدیریت یاددهی و یادگیری به عنوان هسته‌ی مرکزی فعالیت‌های مؤسسات آموزشی می‌باشد (تورانی و همکاران، ۱۳۹۱). به اعتقاد (Hosseini & Bararpur, 2017) از آن جایی که در مدرسه زندگی موضوع اصلی یادگیری از زندگی خود دانش‌آموزان نشأت می‌گیرد آن‌ها گرایش زیادی به یادگیری دارند و مشتاق هستند که مالک و مسئول یادگیری خودشان باشند. هنگامی که می‌خواهیم یادگیری را به زندگی پیوند بزنیم، قصد داریم چند بعدی بودن، به هم پیوستگی الگوها و روند آن را نشان دهیم. این مفاهیم پایه‌های اساسی یادگیری هستند لذا محور اصلی آموزش در مدرسه خلاق، استفاده از تجارب واقعی دنیا و کیفیت منابعی است که برای برانگیختن شور و ذوق دانش‌آموزان به کار گرفته می‌شود (Hosseini & Bararpur, 2017).

در پایان قابل ذکر است که کدهای مرتبط با مقولات جامع پژوهش در نتایج مطالعات انجام شده در بازه زمانی ۲۰۲۱-۲۰۰۰ به طور مستقیم و غیرمستقیم عنوان شده‌اند و پژوهشگران مختلفی بر لزوم توجه به آن‌ها به عنوان عوامل مؤثر بر تحقق مدرسه زندگی تأکید نموده‌اند که به نمونه‌هایی از مطالعات همسو و همخوان در این رابطه اشاره شد. لذا نتایج پژوهش حاضر و الگوی ارائه شده در این پژوهش می‌تواند نقشه راه مناسب و کمک شایانی در راستای ایجاد بستر مناسب برای استقرار اثربخش مدرسه زندگی باشد. عملیاتی نمودن مقوله‌های مثبت و اثربخش با عنایت به نشانگرهای حاصل از پژوهش و توسط عواملی همچون صلاحیت منابع انسانی، ساختار، فرهنگ، فضای مناسب و همچنین ارج نهادن به آوای دانش‌آموزان، زمینه قوی‌تری برای اجرای فرآیند تحقق مدرسه زندگی فراهم خواهد نمود. بر این اساس و با توجه به مدل تحلیلی طراحی شده مدرسه زندگی بر اساس پارادایم گرندتوری و با توجه به این که

در یافته‌های ارائه شده، صلاحیت و عملکرد عناصر انسانی مؤثر در مدرسه مانند مدیر و معلم می‌تواند زمینه ایجاد مدارس بانشاط و مدارس زندگی را فراهم آورد لذا پیشنهاد می‌شود ضمن این که در ساز و کارهای آموزش و پرورش شرایط لازم برای جذب و به کارگیری متعهدترین، توانمندترین، نخبه‌ترین و برجسته‌ترین نیروها برای مدیریت و معلمی واحدهای آموزشی فراهم شود؛ همچنین از طریق ارتقای کیفی و سازماندهی شکلی و محتوایی آموزش‌های ضمن خدمت متناسب با نیاز مدارس زندگی به توانمندسازی و ارتقای شایستگی‌های عمومی، تخصصی و حرفه‌ای منابع انسانی اقدام شود. اهتمام به تغییرات ساختاری مدارس در راستای ایجاد ساختار پویا، ارگانیک و منعطف؛ در این راستا با عنایت به این که مدرسه زندگی، نهادی پویا و مرتبط با محیط واقعی زندگی به شمار می‌آید پیشنهاد می‌شود در راستای تحقق چنین مدرسه‌ای، مدارس با نهادهای اجتماعی، علمی، خدماتی، فرهنگی، مذهبی، بهداشتی، صنعتی و ... پیرامون خود روابط و همکاری متقابل برقرار کرده و از این مراکز برای آموزش و پرورش دانش‌آموزان استفاده کند. در این راستا توصیه می‌شود مدیران و معلمان در مدارس به صورت مقتضی و متناسب با دروس و نیازهای دانش‌آموزان از کارشناسان سازمان‌ها، صاحبان مشاغل مختلف و والدین جهت به اشتراک گذاشتن تجارب خودشان با فراگیران و ایجاد یادگیری مشارکتی دعوت نمایند. بازبینی در طراحی فضاهای آموزشی و پرورشی هماهنگ با نیازها و ضرورت‌های آموزشی و پرورشی مدارس زندگی؛ در این راستا پیشنهاد می‌شود ضمن توجه به الگوهای رفتاری کودکان و فعالیت دانش‌آموزان در طراحی جزئیات فضای مدرسه، محیط فیزیکی و درونی آن، پاکیزه، با نشاط و منظم باشد. توزیع فضاهای آموزشی با رعایت شیوه‌های نوین آموزشی و به گونه‌ای مؤثر و جذاب سازمان‌دهی شود طوری که دانش‌آموزان آن را همانند خانه‌ی خود بدانند. پیشنهاد می‌شود در ساز و کارهای آموزش و پرورش شرایط لازم برای شکستن سکوت دانش‌آموزان، اهمیت دادن به نظراتشان با توجه به سن و توانایی آن‌ها و ایجاد فرصت مداخله‌ی سازنده و مشارکت‌دهی فراگیران در امور مختلف مؤثر بر زندگی‌شان فراهم شود. در این راستا با توجه به این که شوراهای و انجمن‌های دانش‌آموزی یکی از زمینه‌های مشارکت دانش‌آموزان در مدرسه است و می‌تواند نقش مهم و بسزایی در جلب مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدارس ایفا نماید؛ لذا به منظور مشارکت‌دهی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در فعالیت‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، اعتقادی، و فوق برنامه، تشکیل و فعال نمودن شورای دانش‌آموزی از سوی مسئولین مدارس به عنوان یک ضرورت مهم به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد تا بدین طریق فرصت‌هایی در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد که به عنوان عضوی فعال و مسئولیت‌پذیر در اشتراک نظر، تبادل آراء، ایده‌ها و خواسته‌های خود با معلمان و مدیران مدارس سهیم گردند. علاوه بر این استفاده از راهبردهایی همچون به کارگیری الگوهای آموزشی مشارکت‌جو و انتخاب و سازماندهی محتوای آموزشی مشارکت‌ساز می‌تواند در طراحی ساختارهای مشارکت‌زا در نظام آموزشی کمک کند.

بی‌تردید هیچ پژوهشی فارغ از محدودیت نیست. مطالعه حاضر نیز به ویژه با عنایت به جدید بودن موضوع دارای برخی از محدودیت‌ها است که به نتایج آن باید با عنایت به محدودیت‌هایش توجه شود. از جمله محدودیت‌های این پژوهش وابستگی نتایج به بررسی و تحلیل اسناد و متون بود؛ لذا به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود به انجام مطالعه موردی در مدارس با ویژگی‌های مرتبط با مدرسه زندگی مثل مدارس خلاق، شاد، نوآور اقدام نموده و به تحلیل و ثبت تجارب زیسته عناصر انسانی مدرسه از جمله مدیران، معلمان و دانش‌آموزان بپردازند تا در حصول نتایج دقیق‌تر کمک کننده باشد. در پژوهش حاضر دوره ابتدایی مدنظر بود؛ این امر تعمیم‌پذیری به همه مقاطع تحصیلی را با محدودیت مواجه می‌سازد. لذا تکرار پژوهش و پرداختن به بحثی مشابه در متوسطه اول و ارائه مدلی جامع در این زمینه از جمله پیشنهادهای است که در سایه تلاش پژوهشگران آتی محقق خواهد شد تا قابلیت تعمیم‌پذیری در طیف گسترده‌ای از محیط‌های آموزشی را افزایش دهد.

علی‌رغم محدودیت مذکور با عنایت به این که مدرسه زندگی بر مبنای فلسفه کلی و تربیتی جان دیویی بنا می‌شود

و بر مبنای فلسفه پراگماتیسم استوار است. همچنین در طرح نظریه مدرسه زندگی از بیانات افرادی چون روسو، فروبل، پستالوتسی و ... غافل نبوده‌اند؛ لذا ابعاد ارزشی که متفکران غربی برای مدرسه زندگی بیان می‌کنند طبیعتاً برای هر جامعه‌ای به ویژه جوامع مذهبی قابل اجرا نخواهد بود؛ لذا نیازمند الگو و مقیاسی حاصل داده‌های موقعیتی، سازگار با جامعه محلی، بومی‌سازی و غربالگری شده با موازین اسلامی بودیم که در پژوهش حاضر چنین الگویی مطابق با فرهنگ بومی، ناظر بر آموزه‌های بومی و نظام ارزش اسلامی ارائه شد. کدهای مستخرج و مقولات و مؤلفه‌های مطرح در این الگو همسو با اسناد بالادستی آموزش و پرورش، ملاحظات نیازهای بومی و بخشی از ملاحظات علمی، تربیتی، فرهنگی و دینی را به ویژه با عنایت به موارد مطرح در ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین از جمله ساحت‌های تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، حرفه‌ای، علمی و فناوری، اجتماعی، زیستی و بدنی، زیبایی‌شناختی و هنری را مدنظر داشته که موارد مذکور در گویه‌های پرسشنامه محقق ساخته پژوهش حاضر نیز هویدا است. همچنین با توجه به این که مطالعه، بررسی و شناسایی عوامل مؤثر در استقرار مدرسه زندگی مستلزم ابزاری کارآمد است، پژوهش حاضر در صدد طراحی، آزمون و اعتباریابی ابزاری مناسب در این رابطه بود.

مشارکت نویسندگان

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در رشته مدیریت آموزشی دانشگاه محقق اردبیلی است و نویسندگان دوم، سوم و چهارم راهنمایی و مشاوره پژوهش را بر عهده داشته‌اند.

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از کلیه افرادی که در فرایند انجام پژوهش نقش مؤثری داشتند و ما را مساعدت نمودند تقدیر و تشکر می‌شود.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

منابع

- امین‌بیدختی، علی‌اکبر؛ پرداختچی، محمدحسن؛ و علی‌یاری، سعادت. (۱۴۰۱). بررسی معیارهای صلاحیت حرفه‌ای معلمان (مطالعه موردی). *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۶(۵۶)، ۳۴-۴۷. [DOR:20.1001.1.23831324.1401.16.56.3.0.47](https://doi.org/10.1001.1.23831324.1401.16.56.3.0.47)
- بنیادی، حجت‌الله؛ فانی، علی اصغر؛ و سید جوادین، رضا. (۱۳۹۷). طراحی و تبیین الگوی شایستگی مدیران مدارس بر مبنای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و دیگر اسناد بالادستی. *دوفصلنامه مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*، ۷(۱۹)، ۱۱۳-۱۴۴. [DOR: 20.1001.1.2423494.1397.7.2.5.1.144](https://doi.org/10.1001.1.2423494.1397.7.2.5.1.144)
- پراز، محمدرضا؛ و حیدری‌فرد، رضا. (۱۳۹۹). تأثیر ساختار سازمانی مدارس بر میزان بروز فعالیت‌های نوآورانه معلمان با میانجی‌گری نقش کیفیت زندگی کاری. *فصلنامه مدیریت مدرسه*، ۸(۴)، ۲۹۷-۳۱۷. [HTTPS://DOI.ORG/10.34785/J010.2021.351](https://doi.org/10.34785/J010.2021.351)
- تسلیمی، مهناز؛ فراستخواه، مقصود؛ و حسن‌مرادی، نرگس. (۱۳۹۸). سنخ‌شناسی فرهنگ سازمانی مدارس. *دوماهنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۱۱(۴)، ۱۸۶-۱۶۷. [DOR: 20.1001.1.20086369.1399.11.45.7.4.167-186](https://doi.org/10.1001.1.20086369.1399.11.45.7.4.167-186)
- چراغی، نسرین؛ باتمانی، فردین؛ و شیربیگی، ناصر. (۱۳۹۹). واکاوی شایستگی‌های مدیران مدارس هوشمند براساس نظریه داده بنیاد. *دوماهنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۱۱(۴)، ۵۷-۸۰. [DOR: 20.1001.1.20086369.1399.11.45.3.0](https://doi.org/10.1001.1.20086369.1399.11.45.3.0)
- حاجی محمدی، محمد؛ پورشافعی، هادی؛ زیرک، مهدی؛ و مؤمنی مهموئی، حسین. (۱۴۰۰). مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای مدیران

مدارس: سنتز پژوهی براساس مدل روبرتس. مجله اخلاق زیستی، ۱۱ (۳۶)، ۱-۱۸.

<https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.35031>

حسن پور، فاطمه. (۱۳۹۹). تأثیرگذاری فضای آموزشی در شادی و یادگیری دانش آموزان. پنجمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش (۲۷ آذر، محمودآباد، ایران).

حسینی، افضل السادات؛ برارپور، گلرخ. (۱۳۹۶). مدرسه خلاق مدرسه زندگی. تهران: انتشارات مدرسه.

حیدری فرد، رضا. (۱۳۹۴). طراحی، آزمون و پیشنهاد الگوی مدرسه نوآور: یک پژوهش آمیخته. (رساله دکتری مدیریت آموزشی) دانشگاه خوارزمی.

حیدری فرد، رضا؛ زین آبادی، حسن رضا؛ بهرنگی، محمدرضا؛ و عبدالهی، بیژن. (۱۳۹۶). ایجاد ساختار توانمندساز و حامی نوآوری لازمه تحقق مدارس نوآور؛ پژوهشی کیفی. فصلنامه مدیریت بر آموزش سازمان‌ها، ۶ (۲)، ۱۱۵-۱۵۱.

URL: <http://journalieaa.ir/article-1-98-fa.html>

حیدری فرد، رضا؛ زین آبادی، حسن رضا؛ بهرنگی، محمدرضا؛ و عبدالهی، بیژن. (۱۳۹۵). فرهنگ و جو سازمانی نوآورانه مدرسه؛ یک پژوهش کیفی. فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۷ (۲)، ۷۴-۵۳.

DOR: 20.1001.1.20086369.1395.7.26.4.5

خدای، فاطمه. (۱۳۹۷). طراحی مدرسه ابتدایی با تأکید بر نقش فضاهای انعطاف پذیر در ارتقاء خلاقیت کودکان شهر کرج. (پایان نامه کارشناسی ارشد معماری). دانشگاه آزاد اسلامی، واحد صفادشت.

خنیفر، حسین؛ نادری بنی، ناهید؛ ابراهیمی، صلاح‌الدین؛ فیاضی، مرجان؛ و رحمتی، محمدحسین. (۱۳۹۹). مدیران مدارس: شایستگی، دانش، توانایی و مهارت‌ها و ارائه مدل. دوماهنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱۱ (۴)، ۱-۳۰.

DOR: 20.1001.1.20086369.1399.11.45.1.8

ذوعلم، علی. (۱۳۸۸). مدرسه زندگی از شعار تا نظریه. مدارس کارآمد. ۶، ۲۱-۲۵.

وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (مصوب آذر ماه ۱۳۹۰).

شاهعلیزاده، محمد. (۱۳۹۳). یاددهی یادگیری اثربخش، الگوی آموزشی پنج E. رشد تکنولوژی آموزشی، ۳۰ (۱)، ۳۸-۴۲.

شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۹۵). فلسفه آموزش و پرورش، تهران: امیرکبیر.

شفیع زاده، حمید؛ اکبری، محبوبه. (۱۳۹۳). ارزیابی وضعیت موجود شادی و نشاط در مدارس ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران.

فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۵ (۴)، ۳۹-۵۱. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1758375>

عارف‌نژاد، محسن. (۱۳۹۶). شناسایی و اولویت بندی مؤلفه‌های شایستگی‌های مدیران مدارس با تأکید بر مدیریت اسلامی. دو

فصلنامه مدیریت مدرسه، ۵ (۱)، ۱۵۱-۱۷۲. DOI: JSA-1706-1157

فرح‌بخش، سعید؛ ستار، آریتا؛ و محمدی، طاهره. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر در استقرار مدرسه زندگی در مدارس ابتدایی شهر خرم‌آباد. دوفصلنامه مدیریت مدرسه، ۴ (۱)، ۷۱-۸۵.

DOR: 20.1001.1.25384724.2016.4.1.5.6

قاسم‌زاده، ابوالفضل؛ ملکی، شیوا؛ و مرادی‌عزتی، ناهید. (۱۳۹۹). اثر علی ساختار توانمندساز مدارس و مسئولیت جمعی معلمان بر خوش بینی علمی با واسطه تعهد عاطفی. پژوهش‌های آموزش و یادگیری، ۱۷ (۱)، ۶۰-۴۹.

DOI: 10.22070/TLR.2021.3199

کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۹۱). همانندی‌های مدرسه زندگی با زندگی مدرسه‌ای. نشریه تعلیم و تربیت، ۱۱۱، ۱۰۵-۱۳۲.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1005823>

گوهری مقدم، مریم؛ شریعتمداری، مهدی؛ و خورشیدی، عباس. (۱۴۰۰). الگوی جذب شایستگی مدیران مدارس متوسطه دوره دوم آموزش و پرورش. فصلنامه سبک زندگی اسلام با محوریت سلامت، ۵، ۳۷-۵۰.

https://www.islamiilife.com/article_187971.html

ماهرزاده، طیبه؛ و عباسی، منصوره. (۱۳۹۱). مدرسه زندگی، ماهیت و چگونگی تحقق آن. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۸ (۱)،

DOI: 10.22051/JONTOE.2012.158.۱۷۰-۱۴۷

مشایخی، زهره؛ نادری، محمدعلی؛ و کریمی، فریبا. (۱۳۹۸). ارائه الگوی رهبری مدارس موفق در دوره ابتدایی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای. دوماهنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱۱ (۴)، ۱۸۱-۲۱۰.

DOR: 20.1001.1.20086369.1399.11.44.9.4

محمدی، طاهره. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر در استقرار مدرسه زندگی در مدارس ابتدایی شهر خرم‌آباد. (پایان نامه کارشناسی

ارشد علوم تربیتی- مدیریت آموزشی). دانشگاه لرستان.

محمدی، طاهره؛ زاهد بابلان، عادل؛ خالق خواه، علی؛ و معینی کیا، مهدی. (۱۴۰۰). طراحی و اعتباریابی مدل تحقق صدای دانش آموز بر اساس ادراک مدیران (با رویکرد آمیخته). *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۵ (۵۳)، ۵-۲۲.

DOR: 20.1001.1.23831324.1400.15.53.1.5

مرادحاصل، مهدی. (۱۳۸۶). مدرسه زندگی. *ماهنامه آموزشی تربیتی پیوند*، ۳۳۰، ۲۳-۲۹.

<http://ensani.ir/fa/article/106187>

مظفری پور، روح‌اله. (۱۳۹۵). تبیین ویژگی‌های معلم کارزماتیک به عنوان الگویی از معلم اثربخش. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۱۵ (۵۸)، ۱۳۵-۱۵۰.

واعضی، رضا؛ و سبزی کاران، اسماعیل. (۱۳۸۹). بررسی رابطه ساختار سازمانی و توانمندسازی کارکنان در شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران- منطقه تهران. *پژوهش‌نامه مدیریت تحول*، ۲ (۳)، ۱۷۸-۱۵۴.

<https://ensani.ir/fa/article/260292>

یاسمی، صدیقه؛ حسینی خواه، علی؛ کیان، مرجان؛ گرامی پور، مسعود؛ و حسینی، افضل السادات. (۱۳۹۹). طراحی الگوی مدرسه خلاق برای دوره‌ی ابتدایی و اعتباربخشی آن از دیدگاه متخصصان. *نشریه علمی/ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۱۰ (۲)، ۱۷۱-۲۰۸.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1713967>

References

- Akın, S; Yıldırım, A; & Goodwin, A. L. (2016). Classroom management through the eyes of elementary teachers in Turkey: A phenomenological study. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 16, 771-797. DOI:10.12738/estp.2016.3.0376
- Aminbeidokhti, A; Pardakhtchi, M. H; & Aliyari, S. (2022). Assessing professional qualifications of primary school teachers. *Journal of Research in Educational Systems*, 16(56), 34- 47. [In Persian] DOR:20.1001.1.23831324.1401.16.56.3.0
- Arefnejad, M. (2017). Identifying and prioritizing the competence components of school principals with an emphasis on Islamic management. *Two Quarterly Journals of School Management*, 5(1), 151-172. [In Persian] DOI:JSA-1706-1157
- Bayram, G; Ekşioğlu, S. (2020). The relationship between the quality of school life perceptions of secondary school students and their lifelong learning tendencies. *International Journal of Psychology and Educational Studies*, 7(3), 81-88. DOI:10.17220/ijpes.2020.03.008
- Bonyadi, H; Fani, A. A; Seyed Javadin, S. R. (2018). Designing and explaining the competency model of school principals based on the document on the fundamental transformation of education and other upstream documents. *Educational and Scholastic Studies*, 7 (19), 113-144. [In Persian] DOR: 20.1001.1.2423494.1397.7.2.5.1
- Calp, S. (2020). Peaceful and Happy Schools: How to Build Positive Learning Environments. *International Electronic Journal Of Elementary Education*, 12 (4), 311-320. DOI: 10.26822/iejee.2020459460
- Castiglione, J. (2008). Facilitating employee creativity in the library environment: An important managerial concern for library administrators. *Library management*, 3, 159-172. DOI:10.1108/01435120810855296
- Chang, S. E., Lin, C. (2017). Exploring Organizational Culture for Information Security Management. *Industrial Management and Data Systems*, 107 (3), 438-458. DOI:10.1108/02635570710734316
- Cheraghi, N; Batmani, F; Shirbeigi, N. (2020). Analyzing the competences of smart school managers based on the data theory of the foundation. *Bimonthly New Approach in Educational Management*, Year 11, Number 4, pp. 57-80. [In Persian] DOR: 20.1001.1.20086369.1399.11.45.3.0
- Ebneroumi, S. PouladiRishehri, A. (2011). Towards a conceptual framework for the characteristics of a creative school. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 15, 2253-2258. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2011.04.089>
- Engel, L. H. (2008). Experiments in Democratic Education: Dewey's lab School and Korczak's

- children 's Republic. *Social Student*, 99 (3), 117-121. DOI: 10.3200/TSSS.99.3.117-121
- Farah Bakhsh, S; Sattar, A; Mohammadi, T. (2016). Investigating the effective factors in the establishment of the school of life in the elementary schools of Khorram Abad city. *School Management Bi-Quarterly*, 4 (1), 71-85. [In Persian]
DOR: 20.1001.1.25384724.2016.4.1.5.6
- Ghasemzadeh, A; Maleki, Sh; Moradi Ezzati, N. (2020). Causal effect of enabling structure of schools and collective responsibility of teachers on academic optimism through emotional commitment. *Education and Learning Research*, 17 (1), 49-60. [In Persian]
DOI:10.22070/TLR.2021.3199
- Gohari Moghadam, M; Shariatmadari, M; Khorshidi, A. (2021). The pattern of attracting the competence of secondary school principals of the second period of education. *Islamic Lifestyle Quarterly*, focusing on health, number 5, 37-50. [In Persian]
https://www.islamiilife.com/article_187971.html
- Haji Mohammadi, M; Pourshafei, H; Zirak, M; Momeni Mehmoui, H. (2021). The components of professional ethics of school administrators: a synthesis based on Roberts' model. *Journal of Bioethics*, 11 (36), 1-18. [In Persian] <https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.35031>
- Hansen, D. T. (2002). Dewey's conception of an Environment for Teaching and Learning. *Curriculum Inquiry*, 32 (3), 267- 280. DOI:10.1111/1467-873X.00228
- Hasanpour, F. (2019). The effect of educational environment on students' happiness and use. The 5th National Conference on New Researches in Education, 27 Azar, Mahmoudabad, Iran. [In Persian]
- Helme, Z. E; Morris, J. L; Nichols, J; Chalkley, A. E; Bingham, D. D; McLoughlin, G. M; Bartholomew, J. B & Smith, A. D. (2021). Assessing the Impacts of Creating Active Schools on Organisational Culture for Physical Activity. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19, 1- 14. DOI: 10.3390/ijerph192416950
- Heidari Fard, R. (2015). Designing, testing and proposing an innovative school model: a mixed research, doctoral thesis in the field of educational management, Kharazmi University. [In Persian]
- Heidari Fard, R; Zin Abadi, H. R; Behrangi, M. R; Abdulahi, B. (2017). Creating an empowering and supporting innovation structure necessary for the realization of innovative schools; Qualitative research. *Management Quarterly on Organizational Training*, 6(2), 115-151. [In Persian] URL: <http://journalieaa.ir/article-1-98-fa.html>
- Heidari Fard, R; Zin Abadi, H. R; Behrangi, M. R; & Abdullahi, B. (2016). innovative organizational culture and atmosphere of the school; A qualitative research. *New Approach Quarterly in Educational Management*, 7(2), 53-74. [In Persian]
DOR.20.1001.1.20086369.1395.7.26.4.5
- Heidari, M; Soltani, I. (2020). To Present a Comprehensive Model of School Excellence (Case Study: Elementary Schools). *Educational and Scholastic Studies*, 13 (1), 189- 204. [In Persian]
- Hosseini, A. S.; Bararpur, G. (2017). Creative school, school of life. Tehran: School Publications. [In Persian]
- Hughes, J. M; Morrison, L. J. (2020). Innovative Learning Spaces in the Making. *Frontiers in Education*, 5, 1- 17. <https://doi.org/10.3389/educ.2020.00089>
- Jack, G. (2010). Place Matters: The Significance of Place Attachments for Children's Well-Being. *The British Journal of Social Work*, 40(3), 755-771.
<https://doi.org/10.1093/bjsw/bcn142>
- Jacobson, S. (2011). Leadership Effects on Student Achievement and Sustained School Success. *International Journal of Educational Management*, 25 (1), 33-44.
DOI:10.1108/09513541111100107
- Karimi, A. (2012). Similarities between school life and school life. *Journal of Education*, 111, 105-132. [In Persian] <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1005823>
- Khanifar, H; Naderibani, N; Ebrahimi, Salahuddin; Fayazi, M; Rahmati, M. H. (2020). School

- principals: competence, knowledge, model and skills and presentation. *New approach in educational management bimonthly*, 11(4): 1-30. [In Persian]
[DOR:20.1001.1.20086369.1399.11.45.1.8](https://doi.org/10.20086369.1399.11.45.1.8)
- Khodami, F. (2018). Elementary school design emphasizing the role of flexible spaces in promoting the creativity of Karaj children. Architecture master's thesis. Islamic Azad University Safadasht branch. [In Persian]
- Kohlstedt, S. G. (2008). A Better Crop of Boys and Girls: The School Gardening Movement, 1890-1920. *History of Education Quarterly*, 48 (1), 58-93.
[DOI:10.1111/j.1748-5959.2008.00126.x](https://doi.org/10.1111/j.1748-5959.2008.00126.x)
- Lodge, C. (2005). From Hearing Voices to Engaging in Dialogue: Problematising Student Participation in School Improvement. *Journal of Educational Change*, 6, 125-146.
<http://dx.doi.org/10.1007/s10833-005-1299-3>
- Mahrozadeh, T; Abbasi, M. (2012). The school of life, its nature and how to realize it. *New Educational Thoughts*, 8(1), 147-170. [In Persian] [DOI:10.22051/JONTOE.2012.158](https://doi.org/10.22051/JONTOE.2012.158)
- Marquez Garcia, M. J; Mendez, A. L. Kirsch, W. (2021). Novel metaphors for a novel school: Narratives, voices and experiences from pre-service teachers engaged in service-learning in Spain. *Teaching and Teacher Education*, 119, 1-11. [DOI:10.1016/j.tate.2022.103840](https://doi.org/10.1016/j.tate.2022.103840)
- Mashayekhi, Z; Nadi, M. A; Karimi, F. (2019). Presenting the leadership model of successful schools in elementary school based on grounded theory. *New approach in educational management bimonthly*, 11 (4), 181-210. [In Persian]
[DOR:20.1001.1.20086369.1399.11.44.9.4](https://doi.org/10.20086369.1399.11.44.9.4)
- Mayes, E; Finneran, R; Black, R. (2019). The challenges of student voice in primary schools: Students 'having a voice' and 'speaking for' others. *Australian Journal of Education*, 63(2), 157-172. <https://doi.org/10.1177/0004944119859445>
- Mihm, J, Loch, C. H, Wilkinson, D; Huberman, B. A. (2010). Hierarchical structure and search in complex organizations. *Management science*, 56 (5), 831-848.
[DOI:10.1287/mnsc.1100.1148](https://doi.org/10.1287/mnsc.1100.1148)
- Mohammadi, T. (2015). Investigating the effective factors in the establishment of the school of life in the primary schools of Khorram Abad city. Master's Thesis of Educational Sciences, Educational Management. University of Lorestan.
- Mohammadi, T; Zahed Babelan, A; Khaleghkhan, A. Moeinikia, M. (2021). Design and Validation of the Student Voice Realization Model based on the Administrators' Perception (With a Mixed Method Approach). *Journal of Research in Educational Systems*, 15(53), 5-22. [In Persian] [DOR: 20.1001.1.23831324.1400.15.53.1.5](https://doi.org/10.23831324.1400.15.53.1.5)
- Moradhasel, M. (2006). school of life. *Peyvand, Educational Monthly*, 330, 23-29. [In Persian]
<http://ensani.ir/fa/article/106187>
- Mozaffaripour, R. O. (2016). Explaining the characteristics of a charismatic teacher as a model of an effective teacher. *Educational innovations quarterly*, 15 (58), 150-135. [In Persian]
- Paraz, M; Heydari Fard, R. (2020). The effect of the organizational structure of schools on the incidence of teachers' innovative activities with the mediation of the role of quality of work life. *School Management Quarterly*, 8 (4), 297-317. [In Persian]
[HTTPS://DOI.ORG/10.34785/J010.2021.351](https://doi.org/10.34785/J010.2021.351)
- Qardaku, N; G. (2019). The Need for Inspirational (Charismatic) Teachers in Today's Classrooms. *European Journal of Multidisciplinary Studies*, 4 (3), 77- 83.
[DOI: https://doi.org/10.26417/585iqz35s](https://doi.org/10.26417/585iqz35s)
- Raelin, J. A. (2006). Taking the charisma out: Teaching as facilitation. *Organization management journal*, 3 (1), 4-12. [DOI:10.2139/ssrn.3745811](https://doi.org/10.2139/ssrn.3745811)
- Robertson, G. (2015). Student voice at the 'heart of learning'. *Research in teacher education*, 5(1), 27-32. [DOI:10.15123/PUB.4324](https://doi.org/10.15123/PUB.4324)
- Shahalizadeh, M. (2014). Effective learning teaching, five E educational model. *Educational Technology Growth*, 30 (1), 38- 42. [In Persian]
- Shafizadeh, H; Akbari, M. (2014). Evaluation of the current state of happiness in elementary

- schools from the point of view of teachers and administrators. *Educational Psychology Quarterly*, 5 (4), 39-51. [In Persian] <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1758375>
- Shoarinejad, A. A. (2015). Philosophy of Education, Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Takhsh, R. (2018). Evaluation of the role of the student council in the participation of students in school affairs. Master's thesis in the field of educational sciences, majoring in educational management. University of Sistan and Baluchestan.
- Taslimi, M; Farasatkah, M; Hassan Moradi, N. (2019). Ethnology of schools' organizational culture. *Bimonthly New Approach in Educational Management*, 11 (4), 167-186. [In Persian] DOR: 20.1001.1.20086369.1399.11.45.7.4
- Thanomwan, P; Dhatthakan, P. (2013). Relationship between Administrators' Competencies and Internal Quality Assurance. *Social and Behavioral Sciences*, 116, 808-814. DOI:10.1016/j.sbspro.2014.01.302
- The fundamental transformation document of education approved in December 2011. [In Persian]
- Vaezi, R; SabziKaran, E. (2010). Investigating the relationship between organizational structure and employee empowerment in Iran's National Oil Products Distribution Company - Tehran region. *Journal of Change Management*, 2 (3), 154-178. [In Persian] <https://ensani.ir/fa/article/260292>
- Yasemi, S; Hosseinikhah, A; Kian, M; Geramipour, M; Hosseini, A. S. (2020). Designing a model of a creative school for the elementary school and its accreditation from the point of view of experts. *Scientific journal of innovation and creativity in human sciences*, 10(2), 171-208. [In Persian] <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1713967>
- Zuerm, A. (2008). School of life from slogan to theory. *Efficient schools*, 6, 21-25. [In Persian]